

هشدار امام!

«...دعواهای ما دعوایی نیست که برای خدا باشد

... همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوی ما

برای خدا است ما برای مصالح اسلامی دعا

می کنیم ... دعوی من و شما و همه کسانی که

دعوا می کنند همه برای خودشان است...»

امام خمینی (ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹



سپاسی. اجتماعی. فرهنگی

سال سی و دوم / شماره ۱۰

شماره مسلسل ۱۴۰۹

نیمه دوم مرداد ماه ۱۳۹۰

۲۰۰ تومان

امام علی (ع) و

«نهج البلاغه» و

«تمام نهج البلاغه»



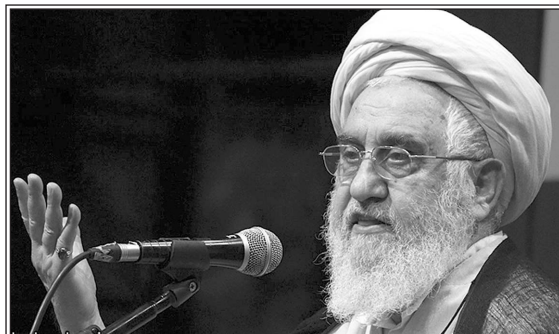
صفحه ۷

متن سخنرانی آیت الله
محسن غرویان در کنفرانس چین؛

صلح از دیدگاه
اسلام و
کنفوسیوس



صفحه ۵



آیت الله قربانی نماینده ولی فقیه در گیلان؛

یک بعدی نگریستن به مسائل دینی از

آسیب های انتقال مفاهیم دینی است

صفحه ۱۲

یک کتاب

خواندنی و

آموزنده از استاد

دکتر حسین رزمجو

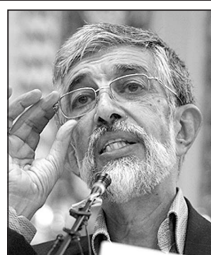


صفحه ۸

رونمایی از ترجمه

قرآن کریم

دکتر حداد عادل



صفحه ۹

استاد خسرو شاهی در گفتگو با فصلنامه طلیعه

تحولات اخیر منطقه عربی - اسلامی

بر خلاف طرح و برنامه

آمریکایی - صهیونیستی موسوم به

«خاور میانه جدید» است

صفحه ۶

کتاب «۳۶۵ روز

با قرآن» استاد

الهی قمشه ای

رونمایی شد



صفحه ۸

محاکمه مبارک؛

هراس

دیکتاتورهای عرب

از سرنوشت مشابه



صفحه ۱۱

راشد الغنوشی:

مبارک، جامعه مصر را از شیعه می ترساند

باید از سرنوشت مبارک و بن علی عبرت بگیریم که هردو در جهت ایجاد اختلافات مذهبی و ترساندن جامعه از اسلام گراها کوشیدند.

وی افزود: به عنوان مثال مبارک توانست جامعه مصر را از شیعه بترساند و شیعه را به شکلی جلوه داد که گویی به کشورهای دیگر تعلق دارند و توانست عده زیادی را با این دروغ ها فریب بدهد قبل از اینکه جریان های مصری بتوانند به دروغ بودن ادعا های نظام سرنگون شده مبارک پی ببرند.

راشد الغنوشی ادامه داد: بن علی نیز تلاش کرد این گمان را ایجاد کند که تب مدرنیته به گروه های اسلام گرای تندرو روی آورده و متأسفانه در این کار موفق شد و توانست از اسلام گراها دیوبی بسازد که ارکان حکومت خود را با آن برای مدتی طولانی محکم کند قبل از اینکه تونس با تفهیمند که طعمه دیکتاتوری فریبکار واقع شده اند.

وی خاطر نشان کرد: به همین خاطر همگان باید هوشیار باشند که دچار این اختلاف افکنی ها نشوند چراکه اینگونه درگیری ها ویرانگر و هراس آور است و امروزه جوامع عربی نیاز شدیدی به ایجاد زمینه های مشترک تفاهم دارند.

شیخ راشد الغنوشی رئیس جنبش نهضت تونس گفت: برخی نیروهای داخلی و خارجی تلاش دارند میان گروه های سیاسی درگیری و اختلافات ایجاد کنند.

وی طی نشستی ابراز داشت: می خواهند به اختلاف افکنی بین شیعه و سنی بزنند و یا اینگونه القا می کنند که جریان های مدنی، جریان هایی لائیک و کافر هستند و جریان های دینی، جریان هایی تروریست و تندرو هستند و برای برهم زدن یکپارچگی و ثبات کشورهای عربی به هر تحریفی متوسل می شوند.

راشد الغنوشی افزود: اختلاف میان گروه های سیاسی و فکری در همه جوامع عربی و اسلامی صرف یک اختلاف فکری یا سیاسی است نه بیشتر از آن و این هیچ ربطی به هویت دینی و فرهنگی و دوری و نزدیکی ندارد. وی ابراز امیدواری کرد که تونس اولین نظام عربی باشد که توانسته خود را از داخل اصلاح کند.

رئیس جنبش نهضت تونس در پاسخ سوآلی درباره اختلاف میان لائیک ها و اسلام گراها و تأثیر این اختلافات بر آینده انقلاب و دیدگاه او درباره چگونگی پشتیبانی مردم از همدیگر گفت: اختلاف و درگیری مذهبی و دینی امری ناپسند است و

انتقاد سید حسن نصرالله از سی دی ظهور:

نه من سیدیمانی هستم، نه رهبری سید خراسانی

دادن ها ممکن است باعث ایجاد تزلزل در اعتقادات مردم و جامعه شود، گفت: ارادت ما به مقام معظم رهبری به گونه ای است که هم من و هم خانواده ام مقید هستیم که همیشه دعا کنیم که خدا همه عمر ما را به عمر رهبری بیفزاید. حضرت آیت الله امام خامنه ای، مقام معظم رهبری هم مستغنی از این تطبیقات هستند.

دبیرکل حزب الله در نقدهای خود به سی دی ظهور نزدیک است و تطبیق های صورت گرفته در آن، گفت: اگر منظور زمان حاضر است، من در زمان حاضر لبنانی هستم و یمنی نیستم، بنابراین مبانی تطبیق کنندگان در این سی دی به هیچ وجه درست در نمی آید. اگر منظور این است که ریشه ما یمنی است در مورد مقام معظم رهبری هم همین باید صدق کند، در حالی که همه می دانند ریشه ایشان خامنه است و در اصل خراسانی نیستند.

وی افزود: چه ضرورتی است که ما بیاییم علائم را تطبیق دهیم و من هم نسبت به بحث مقاومت حزب الله اعتقاد دارم این مقاومت به لطف الهی مقاومتی مشروع و مورد عنایت و لطف امام زمان (عج) است. اما هیچ ضرورتی ندارد که علامات را تطبیق دهیم و من تطبیق علامات را نه صلاح می دانم و نه جایز و این به ضرر بحث عمیق مهدویت است و مورد سوء استفاده واقع می شود. سید حسن نصرالله یادآور شد: قبلاً هم جوانی در لبنان در یک کتابچه ای این ادعاها را جمع کرده بود که ما او را احضار و تلاش کردیم که کتاب او از بازار جمع شود و هرگز اجازه نمی دهیم در لبنان از این قبیل کارها بشود.

رسا: برخی از شخصیت های حوزوی و علمای قم اخیراً در سفری که به کشور لبنان داشته اند، دیداری را با سید حسن نصرالله داشتند.

دبیرکل حزب الله لبنان، با انتقاد از سی دی ظهور نزدیک است، تطبیق علائم ظهور بر افراد را باعث ایجاد تزلزل در اعتقادات مردم و جامعه دانست و گفت: من تطبیق علامات را نه صلاح می دانم و نه جایز و این به ضرر بحث عمیق مهدویت است و مورد سوء استفاده واقع می شود.

وی با بیان اینکه از نسبت دروغی که در آن سی دی به من داده اند، تعجب کردم ادامه داد: در این سی دی ادعایی مطرح شده و گفته اند که من سیدیمانی هستم که این معلوم نیست، چرا که اجداد ما هیچ وقت یمن نبوده اند و من هم هیچ کجا نگفته ام که ریشه ما یمنی است. در مورد آقا (رهبر انقلاب) هم می گویند ایشان سید خراسانی است؛ ما یک تجربه ای در این زمینه داریم و پیش از ارتحال امام خمینی ابتدا بعضی از دوستان ما نیز این امید را داشتند که امام سید خراسانی باشد و منظور از خراسان، خراسان بزرگ است که تمامی ایران را در بر می گیرد و اینکه رزمندگان اسلام بغداد را فتح می کنند و جبهه عراق و لبنان به جبهه قدس منتهی و قدس فتح می شود و ما پشت سر امام نماز می خوانیم، بعد دیدیم که امام به ملکوت اعلی پیوستند و قطعنامه هم پذیرفته شد، بغداد هم فتح نشد و قصه به نحو دیگری ختم گردید. سید حسن نصرالله با تأکید بر اینکه این گونه تطبیق

آیت الله تسخیری:

استعمار روش های بسیاری برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان دارد

گذاشت، مدیون هستیم. علمای چون، شیخ حسن البنا، شیخ شلتوت، شیخ مراغی، شیخ باقوری، شیخ عبدالعزیز عیسی، شیخ محمد تقی القمی، مرحوم کاشف الغطاء از نجف، مرحوم بروجردی از قم و علمای بزرگ دیگری که در مسیر تقریب گام برداشتند، اما متأسفانه صدای این جنبش در اوایل دهه هفتاد قرن گذشته خاموش شد. ما به ادامه این حرکت ایمان داریم و می خواهیم صدای اسلام میانه رو که بر اساس آیات قرآن و احادیث نبوی و سیره ائمه معصومین است احیا شود.

به نظر من ملت مصر نمونه این میانه روی هستند از این جهت که مذاهب مختلفی از جمله شافعی، مالکی، حنبلی، حنفی و شیعه در کنار هم زندگی می کنند. همه به اهل بیت (ع) بسیار احترام می گذارند و مسجد امام حسین (ع) و مقام حضرت زینب (س) و نفیسه خاتون و مسجد امام شافعی و دیگر مقام ها و مساجد را زیارت می کنند. این همان میانه روی است و در واقع ملت مصر نمونه ای از یک جامعه اسلامی میانه رو می باشد که دارای مذاهب مختلف است و به همه مقدسات دین اسلام ایمان دارد و احترام می گذارد. باید بگویم که بیشتر مشکلات و موانع از سوی دشمنان امت اسلامی و استکبار جهانی به وجود می آید. آنان که از صدر اسلام وجود داشته اند و تلاش کرده اند این امت را استعمار کنند و عقاید آنان را تغییر دهند. آنان فرهنگ و حتی وجود این امت را نشانه رفته اند. آنان اساس مشکلات هستند، اما عوامی نیز در داخل وجود دارد که به این دشمنان در تحقق اهدافشان کمک می کند. برخی از این عوامل، افراط و تفریط شدن از حد و تعصب کورکورانه است، علاوه بر اینکه منافع شخصی و سیاسی نیز می تواند جزو این عوامل شمرده شود.

دشمنان امت اسلامی جنگ نرم به راه انداخته اند و آیت الله خامنه ای نیز در این مورد هشدار داده اند.

بله، استعمار روش های استعماری خود را تغییر می دهد به دلیل اینکه حیلہ گر و شیطان است. در آیات قرآن نیز از گام های شیاطین هشدار داده شده است چرا که گام های شیطان مختلف است. گاهی با جنگ آشکار جلو می آید مانند آنچه در انقلاب اسلامی ایران انجام داد، گاهی کار خود را مخفیانه و از طریق دست نشانده های خود در داخل به پیش می برد، گاهی نیز جنگ رسانه ای به راه می اندازد، زمان دیگر سعی می کند در عقاید تشکیک ایجاد کند و اخلاق اسلامی را تغییر دهد و گاهی نیز جامعه را غرق در بی مسئولیتی و فساد کند - که این سیاست را در جهان اسلام به کار می بندد - زمانی نیز سعی می کند اسلام ما و وجود ما را هدف بگیرد و ما را از تمدن جهانی عقب نگه دارد. روش های استعمار بسیار است و یکی از این روش ها جنگ نرم است به طوری که ممکن است ملت از زیان های فیلم های سینمایی غافل باشند در صورتی که دارای خسارت های جبران ناپذیری است و تربیت اسلامی را تغییر می دهد. جنگ نرم جنگ خشونت آمیزی نیست بلکه در واقع بر شخصیت و فرهنگ ما تأثیر می گذارد. در این شرایط است که نقش علما و مسئولان مخلص برای مقابله با این جنگ، روشن می شود تا فرهنگ و عزت و شخصیت اسلامی امت را به آنان بازگردانند.

به این وسیله به اهداف خود دست یابند. اما ما به خدا و آگاهی ملت مصر ایمان داریم و این آگاهی تضمینی است برای اینکه آمریکای طرد شده بار دیگر بازنگردد.

به همین دلیل من عقیده دارم که آمریکا هرگز در ایجاد انحراف در انقلاب مصر پیروز نخواهد شد. اما گرایش سلفی تکفیری یک انحراف بزرگ در تاریخ امت اسلامی است چرا که دین اسلام تکفیر را نمی شناسد و در آیات و روایات، از تکفیر مسلمانان توسط یکدیگر و تعصب کورکورانه نهی شده است. اما متأسفانه برخی از سلفیان هستند که با افراط و تفریط کورکورانه خود سعی می کنند تصور دیگران را تغییر دهند. من امیدوارم که عقلا و علما و الازهر شریف در خنثی کردن این اقدامات موفق باشند. الازهر شریف همواره یک مؤسسه تقریبی و میانه رو بوده است و امیدوارم این افراد را به مسیر اعتدال بازگردانند.

نظر شما در خصوص اظهارات اخیر شیخ الازهر که نقش سید حسن نصرالله در مقاومت را ستوده است، چیست؟

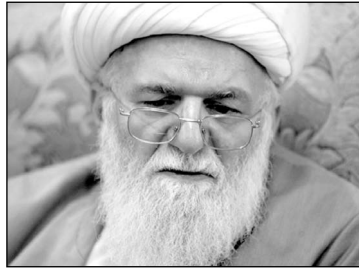
من از سالیان گذشته با شیخ احمد الطیب دوستی داشته ام، ایشان انسانی خوب و با فکر و متوازن است و با تمام توان خود در جهت آگاهی رسانی به نسل جدید و حرکت دادن چرخ تقریب بین مذاهب اسلامی به سمت جلو، تلاش می کند. به عقیده من، تصریحات اخیر ایشان، بسیار خوب و بر میانه روی متمرکز بود. من به خاطر این دیدگاه، به ایشان تریک می گویم و این همان چیزی است که ما انتظار آن را داشتیم. من ایمان دارم که الازهر نقش پرچمداری خود را در جهان اسلام باز می ستاند زیرا همگان از آنان انتظار دارند که به راه راست هدایت شوند.

آیا مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی به نتایج خوبی رسیده است و آیا وظیفه خود را به نحو احسن انجام داده است؟ موانعی که در کشورهای سلفی در مسیر تقریب قرار دارد چیست؟

پیش از هر چیز باید روشن کنیم که وقتی ما سخن از تقریب به میان می آوریم، آن را از جهت فکری و به اعتبار اینکه مقدمه توحید عملی برای امت اسلامی است بررسی می کنیم. لذا از جهت فکری، ممکن نیست که همه افکار و اندیشه ها وحدت پیدا کند چرا که اندیشه ها مختلف اند و قرآن کریم نیز می فرماید: "وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلَفِينَ". بنابراین از جهت فکری، ما دعوت به ترکیب مذاهب و ادغام شدن مذاهب و یا غلبه یک مذهب بر مذهبی دیگر نمی کنیم، بلکه دعوت به تقریب می کنیم و قصد ما این است که همه به مذهب خود متمسک باشند و به دنبال مشترکات میان مذاهب بگردند. به عقیده من مشترکات مذاهب در مسائل حیاتی زندگی بیش از ۹۰ درصد است اما دشمن این اشتراکات را فراموش کرده است و ما به سوی ۵ یا ۶ درصد اختلافات می کشاند.

بنابراین تقریب دعوت به کشف مساحت های مشترک میان مذاهب و توسعه این مشترکات از طریق گفت و گوی منطقی و قرآنی است. این قاعده طلایی از آن شیخ رشید (ره) صاحب المنار و شاگرد ایشان، شیخ محمد عبده است.

ما واقعاً به دارالتقريب قاهره که با کمک علمای شیعه و سنی، اولین سنگ بنای این حرکت را در دهه چهل قرن گذشته میلادی



"محمد حلمی" سردیر روزنامه "النور" مصر و مدیر دفتر خبرگزاری تقریب در قاهره، طی گفت و گویی با آیت الله تسخیری، دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، به بررسی مسائل جهان اسلام پرداخته است. گزیده این گفت و گو در زیر می آید:

به عنوان سؤال اول: در مورد انقلاب مصر که سی سال پس از انقلاب اسلامی ایران به وقوع پیوست مطالبی بفرمائید. با توجه به گفت و گوی مفصلی که من در سال ۲۰۰۲ میلادی با شما داشتم و شما در آن زمان فرمودید که ملت مصر باید از ظلم و طغیان دیکتاتور این کشور خلاص شوند.

آنچه اخیراً در تونس و مصر اتفاق افتاده و به دیگر نقاط جهان عرب کشیده شده است، اتفاق با برکت و هدیه الهی به ملت هایی است که طاغوتیان، آزادی و حقوق آنان را غصب کرده بودند. این طاغوتیان از جمله بن علی و مبارک گمان می کردند که می توانند تا ابد حکمرانی کنند. آنان به حمایت ابرقدرت ها تکیه داشتند و فراموش کرده بودند که قدرت خداوند متعال از قدرت همه این ابرقدرت ها بیشتر است، و متأسفانه کشورهای خود را زیر سلطه اسرائیل و غرب برده و اموال عمومی مردم را غارت و آزادگان را زندانی کردند. به خصوص حکومت مصر که ملت مصر را خوار کرد و نقش رهبری آن را که در طی دهه های متمادی ایفا می کرد از بین برد.

اما صدای ملت مصر در ۲۵ ژانویه شنیده شد و انقلابی همگانی به وجود آمد. این انقلاب را چند حزب یا چند شخصیت به تنهایی به وجود نیاوردند بلکه همه ملت بزرگ مصر به لطف و عنایت حق تعالی ایجاد کردند. و دیدیم که این انقلاب از ایمان ملت، از مساجد و از نماز جمعه این ملت جوشید و این همان بیداری اسلامی بود. خدا را شاکریم که این انقلاب بزرگ نتیجه داد و طاغوت شکست خورد و ملت مصر به ملت های دیگر درس بزرگی دادند.

به عقیده من، این انقلاب شیبه انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره) بود. این امام بزرگوار توانست بر طاغوت پهلوی و دست نشانده آمریکا پیروز شود و ایران از پایگاه استعمار تبدیل به پایگاه انقلابی و مردمی و الهام بخش ملت های دیگر و انقلاب های دیگر شد.

در حال حاضر برخی از قدرت ها به خصوص آمریکای می خواهند از این انقلاب سوء استفاده کنند. نظر شما در این مورد چیست؟

در مورد آمریکا، هر روز یقین من به درستی کلام امام خمینی (ره) بیشتر می شود که فرمود: آمریکا شیطان بزرگ است. آمریکا امروز استکبار جهانی و حمایت کننده اصلی صهیونیسم است و هم اوست که نظام سابق مصر را به هر وسیله ممکن حمایت می کرد. اما هنگامی که دید انقلاب پیروز شده است، تلاش کرد که بر موج آن سوار شود و این همان روش دشمنان و دست نشانده ها است تا

واکنش آیت الله مکارم شیرازی به پخش سریال موهن:

ایجاد فتنه مذهبی در جهان اسلام

حضرت آیت الله مکارم شیرازی با صدور پیامی نسبت به عواقب پخش سریال موهن عربی به نام "حسن، حسین و معاویه" هشدار داد.

مشروح پیام این مرجع تقلید به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحيم

با نهایت تأسف جمعی از مسئولین کویته با همکاری بعضی از شاهزادگان سعودی و احتمالاً یک رشته عوامل غربی ضد اسلام دست به دست هم داده و سریالی بسیار توهین آمیز و نفاق انگیز ساخته و در کشورهای مختلف اسلامی به نمایش گذارده اند که ثمره ای جز ایجاد نفاق در میان مذاهب اسلامی و اهانت به مقدسات نداشته و ندارد و بارها به آنها تذکر داده شده ولی همچنان به کار خود ادامه می دهند.

این سریال از یک سو چهره امامین هم امین امام حسن مجتبی (ع) و امام حسین سیدالشهدا (ع) را به وسیله دو نفر بازیگر معلوم الحال به نمایش گذارده اند که این توهینی است عظیم و نابخشودنی نسبت به عترت پیغمبر اکرم (ص) که حتی فقهای بزرگ الازهر که حرف اول را در جامعه اهل سنت می زنند آن را مؤکداً تحریم کرده و دستور دادند جلو آن گرفته شود، اما فتنه گران بی اعتنا به این مسائل به کار خود ادامه می دهند.

از سوی دیگر سعی کرده اند با تحریف آشکار تاریخ اسلام یک فرد موهوم و خیالی به نام عبدالله بن سبا درست کرده و همه گناهان را به گردن او انداخته و بنی امیه را از آن همه جنایات تبرئه کرده و افسانه های دروغینی از این طریق درباره شیعه درست کنند و کسی را که شمشیر به روی امام وقت خود کشید و ده ها هزار نفر را به کشتن داد و اصرار بر لعن امیرمؤمنان (ع) بر فراز منابر داشت و این سنت زشت ۷۰ سال ادامه یافت. آری چنین شخصی را بیگناه معرفی کنند و به عذر واهی مجتهد بودن متوسل شوند. مگر با اجتهاد می توان شب را روز و روز را شب کرد و ده ها هزار نفر را به کشتن داد.

و از سوی سوم اهانت بزرگ دیگری به امام حسن مجتبی روا داشته و صلح او را نشانه عدم توانایی بر اداره حکومت بدانند و از این طریق ضربه دیگری بر عترت پیامبر اسلام (ص) بزنند.

کسانی که بار این گناهان بزرگ را بر دوش می کشند بدانند علاوه بر ایجاد فتنه مذهبی در جهان اسلام که خواسته قطعی دولت های جنایتکار غربی و صهیونیست هاست، دشمنی و نفرت صدها ملیون شیعه جهان و مجبان اهل بیت را در سراسر دنیا برای خود می خرنند و آن دسته از مسئولین کشورهای اسلامی که به این موضوع دامن می زنند باید درباره روزی فکر کنند که آنها را مانند فرعون مصر در قفس آهنین به پای میز محاکمه خواهند آورد (إِنَّ رَبَّكَ لَبَالْمُرْصَادُ).

ترجمه قرآن کریم به فارسی سره

با استفاده از تفاسیر شیعه و سنی

محمدباقر نجف زاده بارفروش، در گفت و گو با مهر از انتشار ترجمه خود از قرآن کریم خبر داد و گفت: این ترجمه را ۲۲ سال قبل به پایان بردم و شاید بیهوده نباشد که از آن به عنوان بی نظیرترین ترجمه فارسی از قرآن کریم نام ببرم؛ چرا که تمام تفاسیر شیعه و اهل سنت برای نوشتن آن مورد مطالعه من قرار گرفت و از سوی دیگر تمام عبارات و جمله های به کار رفته در آن نیز فارسی سره است.

وی ادامه داد: سال های متمادی است که در دانشگاه ها به تدریس ادبیات فارسی مشغول هستم. در این مدت بارها پیش آمده که برای ارجاع دانشجویانم به ترجمه قرآن کریم با ضعف و نبود ترجمه مناسب از قرآن کریم و نهج البلاغه بر می خوردم و این مساله مرا به سمت اینکه ترجمه خودم را به دست انتشار برسانم، بیشتر سوق داد. وی با اشاره به اینکه متن ترجمه خود از قرآن کریم را به همراه ترجمه اش از نهج البلاغه، صحیفه سجادیه و مفاتیح الجنان امسال برای انتشار در اختیار ناشران قرار داده است، افزود: در ترجمه های معروف مانند ترجمه مرحوم شهیدی از نهج البلاغه ادبیات مسجع که ادبیاتی آهنگین و موزون است زیاد مورد استفاده قرار می گرفت، اما به دلیل دست و پا بند بودن این ادبیات به نظر نمی رسد بتوان به وسیله آن ترجمه مناسبی را ارائه داد که این موضوع را من به خود مرحوم شهیدی نیز گفته بودم.

نجف زاده بارفروش در ادامه با اشاره به ویژگی های ترجمه خود بیان داشت: ترجمه من از قرآن کریم به زبان فارسی امروزی نوشته شده است و زبان آن زبان پارسی سره است که به معنی به کار نرفتن حتی یک لغت عربی و غیرفارسی در آن است. همچنین نگاه من به قرآن کریم در این ترجمه نگاهی حقیقی و واقعی بوده است و برای آن به تمام متون تازی و فارسی در ترجمه و تفسیر قرآن رجوع کرده ام.

رئیس مرکز عربی مطالعات و پژوهش های قاهره:

تفرقه اساسی همه مصیبت ها است

رهبر انقلاب موضوع مهدویت را یکی از محورهای وحدت بخش در جهان اسلام می داند. مسئله مهدویت در اسلام هم جزو مسلمانات است و مخصوص شیعه نیست. همه مذاهب اسلامی غایت جهان را که اقامه حکومت حق و عدل به وسیله مهدی (علیه الصلاة والسلام و عجل الله فرجه) است، قبول دارند. روایات معتبری از طرق مختلف، در مذاهب گوناگون، از پیغمبر اکرم(ص) و از بزرگان صحابه نقل شده است. ۱ به همین منظور پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه ای گفت وگویی با توفیق علی وهبه، رئیس مرکز عربی مطالعات و پژوهش های قاهره در خصوص مهدویت انجام داده که متن کامل آن در زیر می آید:

رهبر جمهوری اسلامی ایران از مهدویت به عنوان یکی از بسترهای وحدت در جهان اسلام یاد کرده اند. نظر شما در این باره چیست؟

امت اسلامی یک امت واحده است. قرآن می فرماید: اَنْ هَذِهِ اُمَّتُكُمْ اُمَّةً وَّاحِدَةً وَاَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ. اسلام از آغاز، منادی وحدت بوده و مسلمانان را توصیه کرده که یَدِ واحده باشند. چنان که در قرآن کریم آمده است: وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا. تفرقه اساس همه مصیبت ها است و زمینه را برای تسلط بیگانگان و استعمارگران بر جامعه اسلامی فراهم می کند. از این رو استعمار و استکبار جهانی به دنبال جلوگیری از وحدت امت اسلامی هستند. آن ها می دانند که قدرت اسلام در وحدت مسلمانان است و به همین خاطر همواره می کوشند که مسلمانان را از هم دور نگاهدارند.

می خواهم تأکید کنم که مشترکات بین مذاهب اسلامی فراوان است و شایسته است که در مسیر وحدت اسلامی از آن غافل نشویم. در عین حال اختلافاتی در فروع فقهی و مسائل دیگر وجود دارد. لذا ما نمی توانیم به دلیل این اختلافات از اصول مشترک و از اهداف مشترک و حتی از دشمن مشترک بازمانیم.

ریچارد نیکسون، رئیس جمهور اسبق آمریکا، در کتابش با نام فرصت می گوید: کمونیسم از جهان رخت برسته و در مقابل آمریکا، دشمنی جز اسلام باقی نمانده است. وی دولت های بزرگ را تشویق می کند که جهان اسلام را تفکیک کنند و امت های مسلمان را از یکدیگر دور نگاهدارند تا بتوانند بر سرزمین های مسلمانان سیطره داشته باشند. او در این کتاب گفته که هدف آمریکا از ورود به سرزمین های اسلامی تسلط بر سرمایه های این کشورها مانند نفت است و همچنین این که اسرائیل تحت حمایت آمریکا قوی بماند. آن ها می دانند که اگر امت اسلامی متحد باشند، آمریکا و اسرائیل و هیچ قدرت دیگری نخواهد توانست رو در روی آن بایستد.

انقلاب اسلامی ایران اولین انقلابی بوده که با نام اسلام ایجاد شده است. همچنین اولین انقلاب جهان اسلام است و به همین خاطر است که زمینه ساز و سرآغاز به شمار می آید. همین طور انقلاب های دیگر پس از آن، مکمل آن محسوب می شوند. همه این انقلاب ها علائمی هستند که مژده ظهور مهدی منتظر را می دهند. انقلاب امام خمینی(ره) مقدمه ظهور مهدی منتظر(عج) است و همین طور انقلاب های پس از آن همگی زمینه ساز ظهور ایشان هستند.

نقاط مشترک میان شیعه و اهل سنت در مسئله مهدویت چیست؟

از نگاه اهل سنت، مهدی منتظر(عج) از آل البیت است و زمانی می آید که اختلافات و تفرقه ها و ضعف دین و عقیده ایجاد می شود. او می آید تا قدرت و سربلندی اسلام را به آن بازگرداند.

معاون پژوهشی و آموزشی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی:

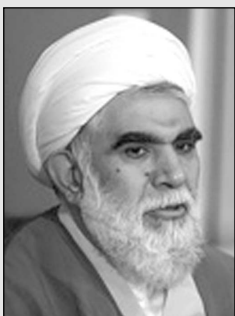
حج امسال مظهر تحکیم وحدت امت اسلامی است

دکتر محمد رضا دهشیری در سمینار حج و بیداری امت اسلامی در عصر حاضر که در آفریقای جنوبی برگزار شد، گفت: طی ماه های اخیر حرکت جدیدی در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا آغاز شده که نشان دهنده بیداری عمومی ملت های مسلمان و ابراز بیزاری آنان از حضور مستکبران در منطقه است. این حرکت ها از سه شاخصه اسلامی بودن، مردمی بودن و ضد آمریکایی و ضد صهیونیستی بودن برخوردارند و هدفشان بازگشت به هویت اصیل اسلامی و بازیابی عزت و کرامت انسانی است.

دهشیری گفت: این حرکت های مردمی بیانگر نیروی انباشته و متراکم و تحت فشار و آماده انفجار در جوامعی است که از ظلم و بی عدالتی و فساد حاکمان و ارتباط آنان با استعمارگران به ستوه آمده اند و با باور اینکه عامل توسعه نیافتگی این جوامع دولت های مستبد داخلی هستند به مقابله با رژیم های خودکامه پرداخته اند.

معاون پژوهشی و آموزشی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی ادامه داد: به جرأت می توان گفت که حج امسال مظهر تحکیم وحدت امت اسلامی و تقریب مذاهب اسلامی در عین توجه به موج بیداری، حق خواهی، آزادی طلبی و عزت خواهی ملت های مسلمان و واکنش در برابر رفتارهای خشونت آمیز و ظالمانه حاکمان مستبد منطقه است.

«وحدت»؛ اولویت مبلغان خارج از کشور



حجت الاسلام والمسلمین محمدحسن اختری دبیرکل مجمع جهانی اهل بیت(ع) در گفت وگو با مهر در مورد برنامه های ماه مبارک رمضان این مجمع گفت: طبق معمول هر سال برای مبلغان، علما و روحانیونی که در کشورهای مختلف با این مجمع ارتباط هستند، برنامه هایی پیش بینی می شود و برای آنها مجموعه ای از کتابهای مورد نیاز و جدید، تهیه و در قالب بسته فرهنگی ارسال می شود.

وی افزود: امسال نیز به مانند هر سال تعدادی از موضوعات مهمی که مناسب است در ماه مبارک

رمضان به آن پرداخته شود، به صورت فهرست وار در اختیار مبلغان قرار می گیرد. دبیرکل مجمع جهانی اهل بیت(ع) به مهمترین موضوعات مورد تأکید مبلغان در ماه مبارک رمضان امسال اشاره کرد و گفت: با توجه به خیزشهای اخیر در کشورهای اسلامی، بر مسئله بیداری اسلامی و ضرورت وحدت بین مسلمانان و نیز تبیین معارف اهل بیت(ع) تأکید خواهد شد. همچنین به مسئله قرآن و مباحث آموزشی و تبلیغی قرآنی و نیز نقشی که جامعه پیروان اهل بیت(ع) در ایجاد ارتباطات خوب با مسلمانان و غیرمسلمانان در کشورهای مختلف می توانند داشته باشند پرداخته می شود.

حجت الاسلام اختری از مسئله قدس به عنوان یکی از مسائل مهم اسلامی یاد کرد و افزود: با توجه به همکاری و هماهنگی که مجمع اهل بیت(ع) با ستاد بین المللی قدس دارد توصیه هایی برای مسائل قدس و حمایت از فلسطین و مردم مظلوم این منطقه خواهیم داشت علاوه بر آن بر آگاهی بخشی جامعه مسلمان جهان نسبت به توطئه های دشمنان اسلام به ویژه اسرائیل و آمریکا تأکید داریم و مبلغان و پیروان اهل بیت(ع) با هماهنگی مسلمانان دیگر برنامه هایی که می توانند برای روز قدس در کشورهای مختلف داشته باشند را مورد توجه قرار خواهند داد.

تقریب مذاهب اسلامی؛

راهبردی ترین نیاز امت اسلام

آیت الله کعبی تأکید کرد: امروز تقریب بین مذاهب اسلامی از مهم ترین و استراتژیک ترین مسائل مورد نیاز است.

آیت الله عباس کعبی معاون جامعه و نظام جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در دیدار هیئت مصری تأکید کرد: امت اسلام اگر می خواهد عزیز و تاثیر گذار باشد باید به مقوله وحدت و تقریب مذاهب بیش از پیش توجه کند.

وی گفت: یکی از مهم ترین مؤلفه های وحدت، اتحاد در برابر استکبار و تکفیریانی است که سعی می کنند با دست زدن به دسیسه های مختلف بین امت اسلام کینه و کدورت ایجاد کنند.

عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم با اشاره به روایاتی از پیامبر گرامی اسلام و ائمه اطهار(ع) ابراز داشت: رمز عزت و اقتدار امت اسلام در حفظ وحدت و یکپارچگی است.

رئیس مرکز مطالعات راهبردی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم اضافه کرد: امروز زمانی است که امت اسلام باید بیش از هر مقطع و زمانی با تمسک به مشترکات وحدت خود را در برابر دشمنان و استکبار جهانی حفظ کند.

آیت الله کعبی گفت: از متفکرین و اندیشمندان اسلامی می خواهیم نسبت به توجیه امت اسلام در برابر نقشه ها و دسیسه های استکبار جهانی و آمریکا اقدام کنند و در راستای تقویت تقریب وحدت امت اسلام تلاش نمایند.

وی با اشاره به فتوای مراجع تقلید و مقام معظم رهبری در خصوص حرمت دشنام به صحابه، ابراز داشت: وحدت امت اسلام خط قرمز ما است و رهبر جمهوری اسلامی ایران و رئیس دانشگاه الازهر نیز در این خصوص تأکیدات ویژه ای دارند.

فراخوان مقاله همایش علمی - تحقیقی مذاهب اسلامی

بیست و سومین همایش علمی - تحقیقی مذاهب اسلامی به همت نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در امور اهل سنت استان سیستان و بلوچستان برگزار می شود.

مقالات ارسالی به بیست و سومین همایش علمی - تحقیقی مذاهب اسلامی، در سه موضوع کلی بررسی توحید و شرک در آثار محمد بن عبدالوهاب، خمس از دیدگاه مذاهب اسلامی و بیداری اسلامی قابل ارائه خواهند بود و در سه کمیسیون کلامی، فقهی و اجتماعی مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

در فراخوان مقاله این همایش به نویسندگان مقالات تذکر داده شده است که نوشته آنان باید فاقد هرگونه اهانت به سایر مذاهب باشد.

در این فراخوان آمده است: مقالات ارسالی باید حداکثر در ۲۵ صفحه تایپی A۴ باشد و ارائه CD حاوی اطلاعات به صورت زرنکار یا WORD الزامی است. همچنین ارائه منابع بر اساس نام کتاب، نویسنده، شماره صفحه به همراه باب و شماره حدیث الزامی است.

علاقه مندان می توانند مقالات خود را حداکثر تا تاریخ ۱۵ آذرماه ۹۰ به دبیرخانه همایش به آدرس: زاهدان، میدان آزادی، ساختمان نهاد، دبیرخانه همایش، صندوق پستی ۹۸۱۳۵-۹۷۳ ارسال و در صورت نیاز با آدرس پست الکترونیکی: hamayesh_mazaheb@yahoo.com مکاتبه نمایند.

سیاست خارجی و بیداری اسلامی از نگاه دکتر صادق خرازی

بخش پایانی

ما، فراهم آمده از آرا و نظریات گوناگون در مایه های دمکراسی یا مردم سالارانه دینی است و این را با افتخار و صدای بلند می‌گوییم که داریم و ابایی نداریم؛ هرچند برخی این را نقد می‌کنند. بی‌گمان ما در این کشورها، دوره‌ای یا دوره‌هایی فراز و فرود در این کشورها خواهیم داشت. حتی احتمال دارد در بعضی از جاها به دلیل بحران‌ها، درگیری‌های درونی شود و درگیری‌های قومی و قبیله‌ای شکل گیرد، ولی بازنده همه این معادلات سیاسی در دنیای اسلام و عرب، اسرائیل و عربستان سعودی است؛ اما آمریکایی‌های با خردمندی و زیرکی و با فرصت طلبی در حال موج سواری هستند.

ببینید در یک روز، سیاست خارجه ایالات متحده، سه سیاست را در قبال مصر مطرح می‌کند. رئیس مجلس سنا، نماینده سنا، سفیر دو دوره ایالات متحده آمریکا در مصر می‌آیند و صحبت دیگری که مبتنی بر حمایت از مصر و مبارک بود را انجام می‌دهند، ولی شخص اوباما و شخص خانم هیلاری، فرای سیستم سیاست خارجی و منطبق بر واقعیات منطقه تصمیم می‌گیرند و می‌گویند، مبارک باید برود.

بزرگترین اشتباه استراتژیک ایالات متحده به دلیل این که آمده سیاست خارجی منفعت محور را در منطقه داشته باشد، یمن و بحرین را به عربستان سعودی واگذار کرده است. این در حالی است که یمن و بحرین، چشم اسفندیار جریان ضد آمریکایی این دو کشور خواهند شد، مگر آمریکایی‌ها خودشان را اصلاح کنند که به تازگی شنیده‌ام، آمریکایی‌ها در حال فشار آوردن به بحرین هستند که در این کشور سیستم دیگری جایگزین شود و جانشینی را دنبال کنند که بیرون از این آن و عبدالله باشد.

از سال ۱۹۶۲ میلادی، منازعات فکری بین عربستان سعودی و مصر در قبال یمن وجود داشته است. عربستان می‌خواهد با زیرکی - هر چند دانش آن را ندارد و فاقد معیارهای دموکراتیک و دموکراسی است و نمی‌تواند درک درست و دقیقی از منطقه داشته باشد - از فقد حضور مصر و بحرین سیاسی و انزوایی که قدرت‌های جهانی برای ایران در منطقه به وجود آورده‌اند، بهترین بهره برداری را داشته باشد که نمی‌تواند بنابراین، شما می‌بینید که ترکیه با یک مانور، میوه آنها را برداشت می‌کند، ایران هم با یک مانور می‌تواند میوه‌های آنها را بچیند. مهمترین هنر دستگاه دیپلماسی در کشوری که آیاتوان چیدن میوه‌ها یا بهار امت اسلامی و عربی را دارد یا خیر، بستگی به این دارد که ببینیم واقعیت‌ها چیست. در اینجا دو موضوع هست؛ یکی رابطه ایران و مصر است که در آن گشایش پیدا شده ولی گشایش نمود عینی ندارد. به نظر می‌رسد ایران در این موضوع (رابطه با مصر) شتابزده و عجولانه رفتار کرده است.

به نظر من، شتابزدگی در همه دوره‌ها بوده است. این که یکباره رئیس‌جمهوری ما در دویی تصمیم می‌گیرد که در ۲۴ ساعت با مصر رابطه برقرار کند، نشان‌دهنده بی‌تجربگی و خامی سیاسی است؛ آن هم با آدم هفت خط و مار خورده افعی شده‌ای همچون شخص حسنی مبارک.

مناسبات ایران و مصر، قصه هفت گنبد افلاک است؛ یعنی در ادوار گوناگون از دوره کمبوجیه تا کنون ما سه دوره قطع مناسبات سیاسی با مصر داشته‌ایم؛ بنابراین اگر کسی بخواهد این را بررسی کند، دو حوزه متمدن و مقتدر سیاسی، ایران و مصر بودند که به نظر من، مهاردو گانه این دو حوزه مهم در دو قرن گذشته درباره دو کشور ایجاد شده و دو حوزه را که در گسترش تمدن اسلام، نقش اساسی

افرادى که هویت ملی و هویت اسلامی را تا اندازه‌ای یدک کشیده‌اند، در حال بالا آمدن هستند؛ یعنی اکنون در نظرسنجی‌ها البرادعی بالا آمده است. یا نماز جمعه‌هایی که انجام می‌شود و البرادعی با ته ریش در صف اول نماز می‌ایستد. بنابراین، کسی نمی‌تواند این هویت‌های اسلامی را نادیده بگیرد. زمانی صدای اذان و تکبیر مردم در تونس کمتر دیده و شنیده می‌شد، آن هم به عنوان یک جریان اسلامی. این در حالی است که در تونس مسجد بسیار است و قبایل اسلامی در آنجا هویت‌های دینی خاص خود را بسیار خوب نگه داشته و دارند، ولی نکته مهمی که در اینجاست، این که در مسیر این مبارزه با استبداد، اسلام هم هست و در حال نشان دادن خود هستند؛ منتها یک نگرانی است که بسیار واقعی است. دنیای سیاست و دنیای غرب، دنیای تفکرات انتزاعی است و می‌خواهد همه چیز را سیاه و سفید ببیند. (یا همه چیز خوب است یا همه چیز بد)

حال باید گفت کسانی که در حال مبارزه برای نفی استبداد هستند، نمی‌خواهند برای استغنا و استقلال خودشان، رنگ و بوی اتهام بن لادن‌یس، رادیکالیسم و سلفی‌زم را داشته باشند و متأسفانه به دلیل برداشت‌های انتزاعی که از اسلام و مذهب در مبارزات سیاسی انجام گرفته است، اینها ناچارند همواره ماهیت دیگری را نشان دهند که بتوانند مستقر شوند و به تدریج آن سیمای واقعی خودشان را نشان دهند.

... ایران بیشترین امتیاز را از فروپاشی نظام‌های استعماری در منطقه خواهد برد. بیشترین سود را از سقوط‌های نظام‌های استبدادی خواهد برد؛ یعنی هر جایی که حکومت مردمی باشد، ایران برنده است که نمونه آن ترکیه، عراق، افغانستان است. وقتی این نظام‌های توتالیتر در این سیستم‌ها حاکم باشند، ایران به دلیل ذات خود، با آنها مشکل پیدا می‌کند، ولی هر جایی که مردم حاکم شوند، سیستم فراهم آمده از رأی مردم می‌خواهد یک دولت ملی‌گرا باشد، یا ائتلافی یا دولت اسلامگرایانه همچون دولت اردوغان باشد، این به سود ایران است و در چارچوب منافع استراتژیک ایران تعریف می‌شود و هر جا بخواهد اصلاحات سیاسی و اجتماعی انجام شود، این به سود موقعیت منطقه‌ای ایران است، چرا که سیاست خارجی ایران، ایدئولوژیک است و از مدیترانه تا جلگه هند تأثیرگذار است، ایران از قزاقستان تا یمن، تأثیر تاریخی داشته است، ایران فراتر از مرزهای جغرافیای سیاسی‌اش، دارای مرزهای حوزه فرهنگی و تمدنی است، از لحاظ تاریخی ایران نفوذ داشته و نفوذ گسترده‌ای است و در این تردیدی نیست که کسی هم نمی‌تواند در این باره کاری کند.

اما این که اکنون اینها می‌توانند چه الگوهایی را تجربه کنند و این که در مصاف با استقرار یک دولت ملی باشند، این طبیعی است. شما در کشوری می‌بینید که سیستم کشوری سقوط کرده و سیستم دیگری در حال پدید آمدن است. شما نمی‌توانید معادله برهم ریختگی و به وجود آمدن یک نظم دیگر را نفی کنید؛ بنابراین به نظر من باید یک عقل خودمختار و خودبنیادی در عرصه سیاست خارجی کشورها به کمک همین تکنولوژی و انفورماتیک در حال شکل گیری است که خود مردم و بازیگران صحنه سیاسی، برخوردار از یک عقلانیت متمدنانه در مناسبات یکدیگرند، ولی نوع مراوده و عقلانیتی که امروز ما در ترکیه می‌بینیم، خود الگویی برای آن کشورهاست.

من بر این باورم که اصلاح طلبان ترکیه در استقلال‌شان، بی‌تأثیر از تحولات سیاسی ایران نبوده‌اند. دموکراسی در ایران و دولت‌های متفاوت (منهای عملکرد دولت‌ها و افراد) و سیستم سیاسی

حال می‌پرسیم که آقایان چگونه نتوانستند چنین کاری کنند؟

آقای دکتر! اکنون بحثی که مطرح است، تحولات دنیای عرب است؛ برخی بر این باورند اصلنا هیچ وجهی از روحیات اسلامی در درونشان نیست؛ اما شما معتقدید اینها سه عنصر هویتی دارند، یا دست کم به سه جنبش به رویکردهای عربی نگاه کردید، از جمله رویکرد اسلام گرایی، ملی گرایی و ضد استعماری. آیا شما اکنون بر این باور هستید که این جنبش‌های عربی، چون ذات مردم، یعنی چون اسلام جزو هویت آنان است، به سمت اسلام گرایش دارند یا نه؟ اینان به دنبال ایدئولوژی اسلامی هستند؟

البته نمی‌شود مطلقاً درباره نگاه انتزاعی که در ماهیت و هویت جنبش‌ها و نهضت‌های سیاسی ایجاد شده است، سخن گفت؛ اما دو عنصر اصلی که من از آن یاد کردم، یعنی مبارزه با استبداد، مبارزه با استعمار و اسلامخواهی اینها در ذات همه نهضت‌های اسلامی و ملی ۲۰۰ سال گذشته دنیای اسلام است.

هنگامی که به همه نهضت‌های سیاسی، نهضت‌های ملی، نهضت‌های تجدد خواهی و نهضت‌های اسلامگرایانه‌ای که در دنیای اسلام رخ داده است نگاه کنیم، می‌بینیم این عناصر و واژه‌ها و ترمینولوژی‌هایی که من به کار برده‌ام، هر کدام در یک مقطعی از تاریخ تحولات اندیشه سیاسی این کشورها و کشورهایی که اکنون در معرض این تحولات و جنبش‌ها هستند، یک روزی جا افتاده و روزی دارای واقعیت‌های موجود زندگی روزمره مردم آن منطقه بوده است.

ما در مصر نهضت‌های اسلامگرایانه، ضد استبدادی، ملی گرایی، نهضت ملی گرایانه واقع بینانه، نهضت واقع گرایانه رادیکال و حتی نخله‌ها و نهضت‌های سوسیالیست اسلامی را داشتیم تا دوره‌ای که هر دوره رنگ خود را از دست داده است؛ اما نکته مهمی که در این مطلب است، مهمترین عنصر امروز نهضت‌هایی که در دنیای عرب و اسلام در حال رخ دادن است، ماهیت و هویتشان ضد استبدادی است و استبداد، بخشی از مبارزه با استعمار است؛ لیکن به گونه‌ای است که یک خردمندی سیاسی ایجاب می‌کند که رهبران یا جوانان یا کسانی که در راه مبارزه با استبداد هستند، بتوانند زیرکانه در دوره انفورماتیک و الکترونیک، بین قدرت خارجی و استبداد داخلی جدایی بیندازند و در مرحله نخست، استبداد درونی را حذف کنند و در مرحله دوم، زمینه موقعیت آن استعمار یا قدرت‌های خارجی را محدود کنند؛ یعنی در واقع یک نوع خردمندی و تدبیر تدریجی را در مصاف این مبارزه می‌بیند، ولی ذات همه این نهضت‌ها در درونشان، اسلام هست. جالب این که اخوان المسلمین کمترین تلاش را در حذف استبداد در مصر انجام داد، در حالی که اخوان المسلمین، در بدنه‌ای از حاکمیت بود که حتی معتقد به اصلاحات مبارک‌بسم بود، ولی همان اخوانی که با آن تجربه اشتباه و یک نهاد سیاسی و حزب اسلامگرایانه‌ای که نزدیک به بیش از یک قرن است که در تحولات اجتماعی، سیاسی مصر دارای نقش است و دوره‌های گوناگونی را پشت سر گذاشته، به گونه‌ای که روزی اخوان، اخوان جهادی بوده و روزی اخوان مدارا و روز دیگر اخوان سازش و روزی دیگر اخوان حکومت و اخوان اهم فی‌الاهم بوده همین اخوان با هویت‌های گوناگون امروز که در میدان مبارزات سیاست‌های داخلی است، مبارزات انتخاباتی در درون مصر است، به دلیل هویت تاریخی و اسلامی خود، باز نقش جدی اجتماعی و اساسی پیدا می‌کند. در همین مصر، امروز افرادی که در حال مطرح شدن برای انتخابات ریاست جمهوری هستند و - در سایت ارتش مصر می‌دیدم که نظرسنجی بود -

داشته‌اند، مهار کردند.

شما ببینید که الازهر در مباحثات و منازعات کلامی و فکری حضور هزار و صد ساله دارد و همین را می‌توانید در ایران و در شرق و غرب مرزهای اسلامی ببینید.

باید گفت مصر جدای از ایران نیست. بیش از چندین قرن است که اقوام گوناگون ایرانی در مصر زندگی می‌کنند و هویت دارند و می‌دانیم که روابط ایران و مصر قابل مقایسه نیست.

من بر این باورم که یک تدبیر منطقی به رغم پیچیدگی‌هایی که در مناسبات ایران و مصر هست، پدید نیامده و یک نوع نیاز خواستن از سوی ایران دانسته شده، افزون بر این که در مصر دوره مبارک، تصمیم گیرنده مناسبات بین دو کشور، سیستم امنیتی و اطلاعاتی مصر بود. سیستم سیاست خارجی خواهان انجام این کار بود، ولی وی نقشی در تنظیم مناسبات ایران و مصر نداشت. به ایران در حکومت استبدادی حسنی مبارک با نگاه امنیتی و به عنوان رقیب خطرناک به آن نگاه می‌شد. یکی از علل بحران‌های بین المللی و اروپایی که داشتیم این بود که برخی از سران عرب در پمپاژ این بحران‌ها نقش اساسی داشتند، به زعم من حسنی مبارک بود. من در آن دوران در فرانسه سفیر بودم و در خاطراتم نیز آنها را نوشته‌ام و چاپ شده است. هر بار که حسنی مبارک به پاریس می‌آمد و برمی‌گشت، ما باید دو ماه می‌دیدیم و آن فضای منفی که وی علیه ایران پدید می‌آورد، از میان می‌بردیم. اینها بالاخره واقعیت‌هایی است که ما باید در این موقعیت‌ها بدانیم در کجا قرار می‌گیریم.

آقای دکتر شما از تحولات جهان عرب به عنوان بهار عربی و خیزش ضد استبدادی نام بردید، اما در عین حال در سوریه هم چنین وضعی برقرار است. اما ما درباره سوریه حرفی نمی‌زنیم. نظر شما چیست؟

پرسش مهم و سختی است، به دلیل این که من بین دیدگاه شخصی و مصالح ملی باید یکی را برگزینم این که حکومت بشار یا دولت بشار و نظام سیاسی حاکم در چارچوب منافع ملی ایران در خاورمیانه تعریف می‌شود، تردیدی نیست و من نمی‌خواهم نظام سیاسی بشار در سوریه سقوط کند، ما خیلی از سقوط یک متحد استراتژیک خوشمان نمی‌آید. سوریه به عنوان یک متحد استراتژیک در خط جبهه اول اسلامی ما با اسرائیل عمل کرده و نمی‌شود این را نفی کرد و این یک بعد خارجی و منطقه‌ای دارد و یک بعد داخلی هم دارد. به همان اندازه‌ای که سوریه در زمینه‌هایی موفق بود، در زمینه‌هایی بسیار ناکارآمد بوده است.

من بر این باورم، استفاده از تفنگ در برابر مردم، بزرگترین اشتباه استراتژیک دولت بشار اسد بوده است. وی نماینده نسل جدید سوریه است و کسی که این گونه است، نباید تفنگ را در برابر مردم قرار دهد. هر بار در مبارزه بین قلم و تفنگ جنگی درگیرد، مطمئن باشید که قلم پیروز می‌شود. این بشارت تاریخ است و این اشتباه استراتژیکی بوده که بشار کرده است.

در سیستم دولتی، حزبی سوریه و نیز سیستم سنتی آن، فساد بسیاری دیده می‌شود، به گونه‌ای که خود بشار اسد در سخنانی گفته است که این فساد باید جمع شود و قانون اساسی اصلاح شود.

اگر این سخنانی که امروزه بشار بر زبان می‌آورد، سه ماه پیش می‌گفت، می‌توانست امتیازهای خوبی به دست آورد. یک رهبر عاقل و یک مصلح عاقل باید هنگامی سخن بگوید که سخنش امتیاز سیاسی به شمار آید، نه این که زمانی حرفی بگوید که دیگر امتیاز سیاسی ندهند؛ بنابراین باید حرف وی خریدار داشته باشد.

ادامه در صفحه بعد

متن سخنرانی آیت الله محسن غروی‌ان در کنفرانس چین؛

صلح از دیدگاه اسلام و کنفوسیوس



در اوائل تیرماه ۱۳۹۰، کنفرانسی در دانشگاه یون‌ن در کشور چین تحت عنوان «صلح از دیدگاه اسلام و کنفوسیوس» برگزار گردید که شخصیت‌های برجسته‌ای از نقاط مختلف در آن شرکت داشتند.

آیت الله آقای شیخ محسن غروی‌ان که از ایران در این کنفرانس شرکت کرده بودند، مقاله‌ای را تحت عنوان «قرآن، اسلام و

صلح جهانی» در آن ارائه نمودند که متن آن برای استفاده علاقمندان در این شماره «بعثت» درج می‌گردد. با تشکر از دفتر ایشان که متن این سخنرانی را در اختیار ما قرار دادند. (بعثت)

بسمه تعالی

چند نکته در باب:

قرآن، اسلام و صلح جهانی

نکته اول:

جنگ و صلح دو واژه متضاد و یا متناقض اند. سؤال اینست که چرا جنگ و نه صلح؟ و یا چرا صلح و نه جنگ؟ حق اینست که مبدأ جنگ و صلح در عالم طبیعت است، چرا که قلمرو تضاد و تعارض و تراحم، عالم ماده است و الا در عالم ماوراء الطبیعه و مجردات، تضاد و تعارضی نیست. خداوند موجودی است که فاقد هوی و هوس و امیال طبیعی است. نیز خداوند موجود مادی و جسمانی نیست که محل عروض عوارض متضاد باشد. عالم مجردات نیز عاری از تراحم امیال و کشاکش هوس هاست. و اما در عالم طبیعت و ماده، انرژی‌های متضاد و امیال متعارض وجود دارند. حیوانات و از جمله انسان، از آن حیث که موجوداتی وابسته به عالم طبیعت و ماده‌اند، محکوم به قوانین این عالم بوده، لاجرم گرفتار تضاد و تراحم هستند. بنابراین در عالم الوهی و در قلمرو ربوبی، صلح مطلق حاکم است. صفات خدا هیچ یک با یکدیگر در جنگ و تضاد نیستند و هیچ وجهی از وجوه خداوند با وجوه دیگر تضاد ندارد. حیطة وجودی حق (جل و علی) به گونه‌ای است که اسماء و صفات او در صلح و آرامش مطلق قرار دارند و هیچگونه تعارض و تناقضی در صقع (جایگاه) ربوبی نیست.

نکته دوم:

آدمیان هر یک مظهر اسمی از اسمای حسنی الهی و صفاتی از صفات علوی ربانی هستند و هیچ یک نمی‌توانند مظهر جمیع اسماء و صفات باشند و لذا کون جامع نمی‌باشند. تضاد و تعارض و جنگ بین آدمیان نیز از همین عدم جامعیت نشأت می‌گیرد. اگر انسان‌ها می‌توانستند وجود جامع باشند و هر یک به جامعیت مطلق می‌رسیدند، هرگز جنگ و نزاعی رخ نمی‌داد و عالم انسانیت نیز مانند عالم الوهیت و ربوبیت، در صلح مطلق بود. پس برای کاهش نزاع و جنگ در میان آدمیان، می‌بایست هرچه بیشتر به خدا نزدیکتر شد و از شیطان بیشتر فاصله گرفت. خدا و شیطان به ترتیب مظهر وحدت و کثرت‌اند و هرچه شما از کثرت فاصله بیشتری بگیرید، به اوج وحدت نزدیکتر می‌شوید و هم از اینروست که مقام کثرت، جایگاه نزاع و کشمکش است و مقام توحید، خاستگاه صلح و آرامش؛ الا بذکر الله تطمئن القلوب. دنیای آدمیان اگر مظهر امیال شیطانی باشد هرگز روی صلح و آرامش را نخواهد دید و دائماً در آتش جنگ و نزاع خواهد سوخت. صلح کل وقتی است که انانیت‌ها از بین برود و بساط کثرت برچیده شود و روح واحد در کالبد‌های متعدد متجلی گردد و ملت‌های کثیر، ملت واحد شوند و دولت‌های گوناگون، تحت حکومت واحد جهانی درآیند!

نکته سوم:

آن‌ان که در فضای فلسفه الهی تنفس کرده‌اند و تعقل را در کنار معارف و حیانی برگزیده‌اند، هرگز نگفته و نمی‌گویند که: انسان‌ها گرگ یکدیگر هستند؟ اینگونه سخنان نزاع آفرین و تئوری‌های خشونت‌بار، محصول دستگاه فکری کسانی است که اسیر شهوات و امیال زمینی هستند. چرا انسان‌ها گرگ یکدیگر باشند؟ چه کسی گفته است که

ادامه از صفحه قبل

ما یک سکوت رسانه‌ای درباره سوریه داریم و مردم اخبار را از طریق ماهواره و کانال‌های دیگر می‌فهمند که چه خبر است، ولی به هر روی، امکان فروپاشی حکومت بشار هم هست. حال به فرض این که حکومت بشار فروپاشید، ما با این حس مردمی که داریم و این پوشش رسانه‌ای که هست، در برابر تظاهرات خیابانی مردم چگونه می‌خواهیم برخورد کنیم؟

متأسفانه در این زمینه در یک نمونه، دچار مشکل خواهیم شد. در دراز مدت به دلیل شعارهای مشترک اسلامی و انقلابی که داریم دوباره به هم می‌رسیم. فرض محال این که بشار سقوط کند. نظامی که جایگزین بشار خواهد شد، نظام رادیکال و سلفی خواهد بود، چون روحیه مردم و بخشی از مردم سنی سوریه، سلفی است که بشار آن را مدیریت کرده است؛ در چنین صورتی کل فیزیک خاورمیانه دچار یک تحول دیگری می‌شود. نمی‌شود پیش بینی کرد ولی می‌شود یک چیزهایی را دید و حدس زد. اگر حکومت بشار سقوط کند که من امیدوارم این کار نشود، و بشار بتواند اصلاحات را در درون انجام دهد و بتواند مسلط شود و با اعتماد به نفس بتواند کسانی را که در این زمینه کارهای ناشایستی انجام داده‌اند، سرکوب کند و مردم را دوباره احیا کند و به آنان توجه کرده و حکومت خود را بر پایه مردم قرار دهد، چرا که در غیر این صورت، مسلم شما ببینید که این موقعیت ایران و عراق و سوریه و لبنان که به مدیترانه راحت دسترسی پیدا کرده، جور دیگری می‌شود و شاید شرایط در منطقه با یک تعریف جغرافی سیاسی دیگری که نمی‌شود بر آن تأکید کرد و گفت، رخ دهد، چرا که ما اکنون در منطقه، ترکیه را هم داریم و هم مرز با لبنان و مدیترانه و ایران و هم سوریه است. موقعیت سوریه با افتادن حکومت بشار در معادلات خاورمیانه بسیار استراتژیک می‌شود.

اکنون ترکیه نقش بسیار فعالی را ایفا می‌کند و همه چیز را در دست دارد. این روند در فرآیند دیپلماسی آینده منطقه به چه نحو خواهد بود؟ آیا ترکیه مدیریت این فرآیند را به عهده دارد؟

ترکیه و آقای اردوغان و حزب فضیلت توسعه، ترکیه شخصیت کسانی چون عبدالله گل، اردوغان و یک ترکیه جدید و جدی در عرصه مناسبات داخلی، توسعه سیاسی در درون ترکیه و ترکیه فعال در عرصه معادلات منطقه‌ای جهانی ایجاد کرده است. مناسبات ایران و ترکیه از دوران عثمانی تا به این حد نزدیک نبوده است. میان مناسبات ایران و ترکیه حرف بسیار است که به آنها کاری نداریم. چرا که در جاهایی رقابت استراتژیک و در جاهایی اشتراکات استراتژیک خواهیم داشت و شما می‌بینید کلاسیسم سیاسی لاییک ترکیه به سمت حکومت اسلامگرایان، بیشترین نفع آن را ما برده‌ایم، اما این را نباید منکر شد که ترکیه به دلیل این که ابتکار عمل و قدرت مانور دارد و واقع بین است نسبت به مسائل منطقه‌ای و جهانی و به دلیل این که همه چیز را عینی می‌بیند نه ذهنی و به دلیل این که واقع بینانه و نه خوش بینانه و نه بدبینانه می‌بیند و بین منافع ملی و منافع حزبی، منافع ملی را برمی‌گزیند و از اسلام مدیریت و مدارا و اسلام حکومت و اسلام صلح و گفتگو در حال بهترین بهره گیری است.

امروز، ترکیه به عنوان نماد واقعی و پیشاهنگ جریان نو فکری و نوایش فکری جهان اسلام مطرح است و صحبت در این زمینه بسیار است و هیچ تردیدی در آن نیست. و ما از آنان خیلی عقب‌تریم. آنها قدرت مانور دارند و از بالای سر ما رد می‌شوند؛ پاکستان و افغانستان را کنار هم می‌نشانند و صلح متعارف بین پاکستان و افغانستان را طراحی می‌کنند و ما از آن غافلیم. در حالی که یک روزی اینها دست ما بوده است و زمانی بود که بین ترکیه و سوریه میانجیگری می‌کردیم تا جنگی به وجود نیاید؛ اما اکنون به گونه‌ای شده است که ترکیه آمده و میان همه کشورهای منطقه، تلاش می‌کند و موقعیت می‌یابد. تعریف ترکیه از داخل کشور، دموکراسی و ایجاد فضای باز برای مردمش و خارج از کشور، تأمین منافع ملی است به هر نحو ممکن برای ترکیه بوده است.

من درباره ترکیه مقاله‌ای نوشته‌ام که کاملاً ریزبینانه به زوایا اشاره کرده‌ام و در این متنی هم حتماً به آن اشاره می‌کنم و دقیق می‌نویسم درباره منافع ملی‌اش. نمونه آن، سخنرانی اردوغان پس از پیروزی حزمش، که من وقتی سخنرانی ایشان را دیدم، هم به وجد آمدم و هم از وضع خودمان متأثر شدم و گریه‌ام گرفت.

او همچون امام سخنرانی کرد: این پیروزی از آن این ملت است و از آن همه احزاب و همه بازیگران صحنه سیاسی است. این پیروزی از آن مخالفان حزب من است و این تبریک را به همه باید گفت و ادامه داد که من تغییر قانون اساسی را به کمک همه شما مخالفان دنبال می‌کنم. شما به من کمک می‌کنید، چون به ترکیه معتقدید.

وی می‌گوید پیروزی ما زمانی است که در فلسطین اتفاق بیفتد. شعارهای ما را همه را یک به یک گرفته‌اند. این گونه نیست که یک روز بگویند، هولوکاست افسانه است و روز دیگر بگویند دوست مردم اسرائیل هستیم. آنان هدف دارند. ما هر جا که سیاست فکری داشتیم و هدفمند بودیم، به جلو رفتیم و توانسته‌ایم کار کنیم، ولی برعکس آن نتوانستیم. لبنان هم این بوده و عراق و افغانستان هم همین بوده است.

آقای دکتر چرا ما این گونه جا مانده‌ایم؟ این پرسش شما قصه پر غصه هفت گنبد افلاک است. در این زمینه حرف برای گفتن بسیار است. ما بهترین و بیشترین مخالفان و معارضین خودمان را مطرح می‌کنیم. ما هر روز، ادعا نامه‌ای علیه خودمان صادر می‌کنیم. برای همین در این زمینه غصه بسیاری است. برای همین، نشان دهنده این است که هنوز ما تربیت نشده و آمادگی نداریم در زمینه تغییر و تحول، در حالی که زمانی دولتی آمد به نام دولت محمد خاتمی که آفاق تأثیرگذاری آن جهانی شد. یک زمانی دولتی آمد که آفاق زمینگیریش، از کجا به کجا رسیدیم.

بنابراین، این نشان دهنده، فقد بینش ما و جهان بینی ماست. ما گرفتار بحران جهان بینی هستیم. در جایی معتقدیم که توسعه سیاسی، مقدم بر هر چیزی است و در جایی دیگر، می‌گوییم توسعه اقتصادی مقدم است. در جایی عدالت را مقدم بر توسعه می‌دانیم و در جایی توسعه را مقدم بر عدالت می‌دانیم. هنوز تصمیم نگرفته‌ایم که می‌خواهیم در کجای جهان باشیم؛ بنابراین وقتی این گونه هستیم، در حال از دست دادن طلایی‌ترین فرصت‌های تاریخی هستیم. برای همین به نظر من دردناک است.

انسان‌ها باید گرگ یکدیگر باشند؟ آیا این سببیت و درندگی، امری دستوری است؟ آیا گزاره فوق، توصیفی است؟ اگر توصیفی است، باید دید بر چه مبانی و مبادی تصویری و تصدیقی پیشین استوار است؟ به نظر ما هر گونه اظهار نظر در باب انسان و در باب جنگ و صلح آدمیان، بر پیشفرض‌های فلسفی و انسان‌شناختی خاصی استوار است و آن پیشفرض‌ها نیز خود محصول تراوشات فکری همین انسان دوپاست؟ و لذا قابل تأمل و تحول و دگرگونی است! ما بر مبنای فلسفه اسلامی، هرگز چنین نمی‌اندیشیم که انسان‌ها گرگ یکدیگرند. قرآن می‌فرماید: یا ایها الانسان انک کادح الی ربک کدحاً فملاًقیه. ای انسان تو به سوی پروردگارت در تلاش و حرکتی و سرانجام او را ملاقات خواهی نمود! آیا انسان‌هایی که همه به سوی یک هدف و یک مقصد در حرکت‌اند، گرگ یکدیگرند؟ ما به این سخن "هائز" که آدمیان گرگ یکدیگرند، شدیداً انتقاد داریم و آن را ترسیم نادرستی از انسان‌شناسی می‌دانیم و در زمره فلسفه‌هایی تلقی می‌کنیم که مبدأ و منشأ خشونت و نزاع شمرده می‌شوند.

نکته چهارم:

خداوند موجودی "حی" است و حیات را دوست دارد. چه اینکه خداوند جمیل است و جمال را دوست دارد: ان الله جمیل و یحب الجمال. پس می‌توانیم بگوئیم: ان الله حی و یحب الحیات. از سویی، جنگ و نزاع باعث از بین رفتن حیات است! و لذا جنگ و نزاع نمی‌تواند محبوب خداوند باشد، چرا که سبب زوال حیات است. و اگر خداوند عدم الحیات را نمی‌پسندد، قطعاً سبب زوال حیات را نیز نمی‌پسندد. بر پایه این مبنای فلسفی و عرفانی در اندیشه اسلامی، ما معتقدیم که اصلات در دعوت الهی، با صلح است و نه با جنگ. نیز در همه کتب آسمانی و از جمله در قرآن، اصلات با صلح است و نه با قتال و جنگ دعوت بر قتال و جنگ مقدم است و با دقت در مفهوم دعوت به این نکته می‌رسیم که همواره بین همه آدمیان، یک نقطه مشترکی برای تفاهم هست که دعوت بر اساس آن شکل می‌گیرد. و الا اگر بین انسان‌ها، تنازع و تباین مطلق بود، دعوت معنایی نداشت. و لذا قرآن کریم می‌فرماید: ادع الی سبیل ربک بالحکمة و الموعظه الحسنه و جادلهم بالتی هی احسن. پس می‌توانیم نتیجه بگیریم که در ادیان الهی اَصالة الدعوة حاکم است و اَصالة الدعوة مبتنی بر اَصالة الصلح و همسوی با آن است و این دو بر اَصالة الجهاد تقدم رتبی دارند.

نکته پنجم:

دعوت جهانی و کلی اسلام، به صلح و سلم و آرامش است: ادخلوا فی السلم كافة. همگی در صلح و آرامش داخل شوید. از این رو آنچه در جهان معاصر هم اینک مطلوب قرآن است این است که همه جوامع و ملل در کمال آرامش و امنیت، در کنار یکدیگر زندگی کنند و در راستای ارزش‌های اخلاقی و انسانی همچون احترام و متقابل و حفظ حقوق یکدیگر حرکت کنند و عقل و تدبیر خویش را بکار گیرند و هیچ دولت و ملتی به خود اجازه و حق زورگویی و چپاول و سلطه بر ملت‌های دیگر را ندهد. ملت‌ها و جوامع نیز همچون افراد انسانی، دارای استعداد‌های مختلف و ظرفیت‌های گوناگون‌اند و از دیدگاه اسلام و قرآن به مصداق گیس لانسان الا ما سعی هر ملتی باید زمینه رشد داشته باشد تا به آنچه ظرفیت و استعدادش را دارد نائل گردد. همه آیات جهاد و قتال که در قرآن شریف آمده است، پس از دعوت و گفتگو مطرح می‌شوند و از دیدگاه قرآن، جنگ بدون دعوت، و قتال بدون گفتگوی منطقی، مطلوب نیست. هدف اصلی انبیاء همواره هدایت است و نه جنگ و قتال. و قرآن نیز کتاب هدایت انسان‌ها است: شهر رمضان الذی انزل فیہ القرآن هدی للناس: ماه رمضان ماهی است که در آن قرآن برای هدایت انسان‌ها نازل شده است و اساس هدایت، دعوت است و دعوت مبتنی بر صلح و آشتی و تفاهم بین آدمیان است.

ایران: قم، محسن غروی‌ان

استاد خسروشاهی در گفتگو با فصلنامه طلعه

تحولات اخیر منطقه عربی - اسلامی، برخلاف طرح و برنامه آمریکایی - صهیونیستی موسوم به «خاورمیانه جدید» است

آنچه در ادامه میخوانید متن کامل گفتگوی حجت الاسلام والمسلمین استاد سیدهادی خسروشاهی با فصلنامه طلعه؛ فصلنامه خبری، پژوهشی مجتمع آموزش عالی المصطفی(ص) مشهد مقدس می باشد که در شماره بهار ۱۳۹۰ این نشریه به چاپ رسیده است

ارزیابی جنابعالی از تحولات منطقه با توجه به این که مدتهاست امریکا و کشورهای غربی در پی ساختن خاورمیانه جدید هستند، چیست؟

تحولات اخیر منطقه عربی - اسلامی، بنظر بنده درست برخلاف طرح و برنامه آمریکایی - صهیونیستی موسوم به "خاورمیانه جدید" است زیرا آن ها می خواستند که در "خاورمیانه جدید" موهم، همه کشورهای عربی - اسلامی منطقه، مانند مصر و اردن، در جناح امپریالیسم و صهیونیسم قرار گیرند و اسلام گرایی "بطور کلی در منطقه حذف شود و ناسیونالیسم کور و قومی گرایی جاهلی، در کشورهای مسلمان جایگزین آن شود.

اما ما می بینیم که یکی از اصلی ترین عوامل قیام در انقلاب مردم مسلمان در منطقه عربی - اسلامی، انگیزه های اسلامی است و بنابراین دو طرح با یکدیگر تضاد ماهوی دارند و ربطی به یکدیگر نمی توانند داشته باشند.

در کشورهای منطقه بیشتر جنبه اسلامی دارد یا ملی؟

با توجه به توضیح فوق، باید قبول کرد که جنبه اسلام گرایی در تحولات اخیر منطقه نیرومندتر و ریشه دارتر و باسابقه تر از جنبه ملی گرایی آنست... همانطور که اهداف اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی و... در پیدایش و استمرار این تحولات و قیام ها، در مرحله دوم قرار دارند... و البته ملی گرایان و پشتیبانان غربی آنان در این مناطق، تلاش می کنند که جنبه قومی و ملی تحولات محور اصلی قلمداد شود و به همین دلیل با پوشش خبری وارونه، آن را انگیزه مردم منطقه معرفی می کنند!

با توجه به نقش مصر در میان کشورهای اسلامی و عربی، همچنین نقش محوری این کشور در معاملات کشورهای غربی، آینده انقلاب مصر چه چشم اندازی دارد؟

انقلاب مردم مسلمان مصر در ایجاد تحول بنیادی در کشور و سرنگونی رژیم دیکتاتوری سابق، موفق بود ولی متأسفانه به هدف نهایی خود تاکنون نرسیده است و حاکمان کنونی در مصر، در واقع همان ژنرال های باقیمانده از باند مافیای حاکم قبلی هستند که روابط صمیمانه و دیرینه اغلب آنان با امریکا و رژیم صهیونیستی، بر کسی پوشیده نیست و بیانات و ادعاهای اخیر بعضی از آنان در ضرورت تحکیم روابط با غرب و احترام به قرارداد ننگین "کمپ دیوید" نشان دهنده ماهیت واقعی و درونی آنان است.

اما این روند به نظر من قابل استمرار نیست، بلکه دیر یا زود، حاکمیت کنونی، بطور قانونی و یا با قیام بعدی جوانان مسلمان مصر، باید کنار برود و در انتخاباتی آزاد، دولتی برخاسته از اراده و خواست ملت، روی کار بیاید... و در این صورت است که هم انقلاب به هدف اصلی خود رسیده است و هم چشم انداز آینده مصر، روشن و مطلوب خواهد بود.

آسیب های احتمالی انقلاب های منطقه چه چیزهایی می تواند باشد؟

آسیب اساسی و احتمالی انقلاب های منطقه، مصادره آن توسط استکبار جهانی و وابستگان



برابر گروه رزمنده حزب الله از جنوب لبنان اخراج شدند و یا بعدها پس از جنگ ۳۳ روزه مجبور به عقب نشینی گشتند و شکستی خوردند که در جنگ های قبلی با چند کشور عربی، نشانه و نمونه ای از آن رانیده بودند... و یا نیروهای تاذندان مسلح امریکا در عراق و افغانستان در باتلاق فرو رفته و با وضع رقت باری روبرو شده اند که بارها مسئولان نظامی و سیاسی آن به طور آشکار از شرکت در این تجاوزها، اظهار یأس و پشیمانی کرده اند...

... مقاومت ملت ها را نمی توان با بمب و سرکوب و قتل عام از میان برد... بحرین در این میان یک استثنا نخواهد بود، بلکه دیر یا زود جوانان آن سرزمین پاسخ نیروهای اشغالگر و مزدوران آل خلیفه را خواهند داد.

در پایان جنانچه دیدگاه خاصی دارید بیان نمایید.
دیدگاه خاص بنده در رابطه با مسائل منطقه و تحولات آن ضرورت ایجاد هماهنگی در عملکرد نهادهای مختلف نظام اسلامی، در برخورد با حوادث و چگونگی کمک و یا همکاری با مردم مظلوم آن مناطق است.

متأسفانه فقدان شناخت دقیق و عدم هم آهنگی و یا اقدامات تکررانه و گاهی کارشناسی نشده، نتیجه مطلوب به دنبال نخواهد داشت... شتاب زدگی در تماس های گوناگون با افراد مختلف و فرصت طلب، یا گروه هائی که اصالت و ریشه در جامعه خود ندارند و یا نوعی "عجله" برای برقراری "روابط حسنه" با بعضی از کشورهایی که در آن ها انقلاب شده است، به هیچ وجه به صلاح نظام و یا حتی دوستان هوادار ما در آن بلاد نیست...

توجه و اهمیت دادن به نظرهای کارشناسی کسانی که سابقه دیرینه در این زمینه ها دارند، بی شک موجب موفقیت در اجرای اهداف موردنظر خواهد شد!

مخالفت اخوان المسلمین با کمک های آمریکا

دارد و برخی از سازمانها و نهادهای اجتماعی نیز از حمایت های آمریکا بهره مند می شوند تا از تحولات دموکراتیک حمایت کنند و این به معنی آن است که پشتیبانی از یک طرف، بر ضد طرف دیگر خواهد بود و این مساله منجر به این می شود که هر طرفی که از نظر دارایی تمکن داشته باشد در سیاست نیز پیروز شود.

معاون این حزب مصری بر اهمیت اعطای کمکهای مالی به نهاد های اجتماعی از مآخذ اموال مردم مصر تاکید کرد تا به گفته او این اقدام ضمانتی برای ادامه حیات این سازمانها باشد و تحت فشار هیچ حکومت و یا طرف خارجی قرار نگیرند.

سفارت آمریکا در پایگاه اینترنتی خود از باز شدن درها برای سازمانهای اجتماعی در مصر و تونس برای دریافت کمکهای مالی بر اساس برنامه پیشنهادی مشارکت در خاورمیانه موسوم به 'مابی' خبر داده بود.

مسلمان توسط نیروهای سرهنگ عبدالله صالح ساکت مانده و فقط "ناظر" صحنه است و همین نکته در "بحرین" نیز صدق می کند و امریکا با کمک ارتجاع آل سعود به قتل عام مردم مسلمان و بی سلاح پرداخت تا پایگاه نظامی خود را حفظ کند و همچنان نفت بحرین و دیگر شیخ نشین های حوزه خلیج فارس را به غارت ببرد...

البته این امر برای شناخت حقیقت ماجرا سند شفافی است، گرچه با هزینه بسیاری بدست می آید... نگاه و برخورد دوگانه غرب با مسائل در واقع بیانگر و نشان دهنده اهداف واقعی امپریالیسم صلیبی غربی است که خود عامل مؤثری در قیام مردم خواهد بود.

به نظر جنابعالی آیا جمهوری اسلامی از تمام پتانسیل خود برای حمایت از مردم مظلوم بحرین استفاده کرده است؟

بطور کلی باید بگویم که جمهوری اسلامی ایران در کل حوادث و تحولات منطقه، از "سونامی" حاصله غافل ماند... و اصولاً دیر به حرکت درآمد و در همه موارد هم نتوانست نقش خود را بخوبی ایفا کند و با توجه به مشکلاتی که بعضی ها در داخل کشور ایجاد کرده اند و می کنند، از توجه کامل و جمعی به مسائلی که در منطقه مطرح است، به دور ماند... که امیدواریم به نحوی جبران شود...

آینده تحولات بحرین با توجه به تصمیم احتمالی عربستان مبنی بر حضور دائمی در این کشور چیست؟
تحولات بحرین گرچه به ظاهر با قتل عام وحشیانه مردم توسط باند آل خلیفه و آل سعود سرکوب شده است، اما حرکت عدالت خواهانه مردم مسلمان بحرین سابقه درازمدتی دارد و هر چندی یکبار به شکلی در سرزمین بحرین به ظهور رسیده است. امروز اگر آل خلیفه و وهابیان جزیره العرب خیال می کنند که با این کشتار جمعی و ارتکاب جنایات جنگی ضد بشری، می توانند مردم بحرین را برای همیشه خاموش کنند، کاملاً در اشتباه هستند.

اگر سربازان لباس ببری پوش کاغذی "آل سعود" در دخالت برضد شیعیان "حوثی" در یمن با مقاومت شدید آنان روبرو شدند و صدها کشته و اسیر از خود به یادگار گذاشتند!، این به آن دلیل بود که حوثی ها مسلح بودند... و اکنون نیز اگر جوانان بحرین سلاح در دست بگیرند، بی تردید بیرهای کاغذی آل سعود، قدرت ماندن در بحرین را از دست خواهند داد...

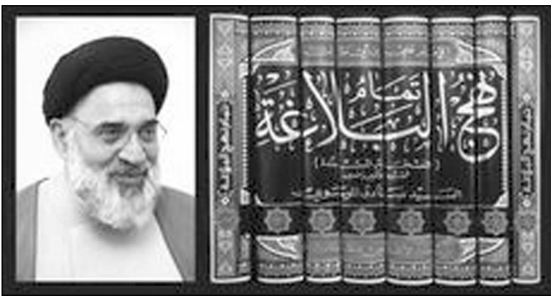
همانطور که سربازان تعلیم دیده رژیم صهیونیستی در

'رفیق حبیب' معاون رییس حزب آزادی و عدالت وابسته به اخوان المسلمین در مصر اعلام کرد این گروه با کمکهای مالی آمریکا به نهادهای اجتماعی مخالف است.

به گزارش ایرنا وی این موضع را در پاسخ به درخواست آمریکا برای دادن کمکهای مالی به نهادهای یاد شده در کشورهای مصر و تونس و دیگر کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا بر اساس برنامه های پیشنهادی مشارکت در خاور میانه، اعلام کرد. حبیب گفت: اصل این است که فعالیتهای سیاسی و مسایل ویژه در تحولات دموکراتیک بدون هرگونه کمک خارجی صورت گیرد تا ضمانتی بر وابسته نبودن به طرف کمک کننده و پرهیز از هرگونه فشار خارجی باشد.

وی افزود: دولت آمریکا همواره به سیاستهای سکولار بر ضد گزینه های سیاسی اسلامی گرایش

بخش اول



امام علی (ع) و «نهج البلاغه» و «تمام نهج البلاغه»

بذلک الجزء اعلم منهم یعنی علم ده بخش دارد، که نه بخش آن نزد علی بن ابی طالب و یک دهم آن نزد بقیه مردم است، و نیز در آن یک دهم هم از بقیه دانانتر است. در جایی دیگر می‌گوید: «ما علمی و اصحاب محمد فی علم علی الا کقطره فی سبعة ابحر» یعنی علم و دانش من و اصحاب محمد(ص) در مقابل علم و دانش علی مانند قطره‌ای است در برابر هفت دریا (اشاره به اقیانوس‌های بیکران).

عایشه‌ام المومنین نیز پرسش‌های زیادی را که در پاسخ به آن عاجز می‌ماند، به امیر مومنان(ع) محول می‌کرد و می‌گفت: «سلوا عنها علی بن ابی طالب فانه اعلم الناس بالسنه» یعنی این سوال را از علی بن ابی طالب بپرسید که او عالم‌ترین و داناترین فرد در سنت پیامبر اسلام است.

معاویه بن ابی سفیان که روزگاری هر فردی را به اتهام قرار داشتن در زمره دوستانداران امیر مومنان(ع) می‌کشت و آنان را تحت تعقیب قرار می‌داد، معاویه‌ای که سب و دشنام به حضرت علی(ع) را بر منبرها در بلاد اسلامی واجب کرده بود و این دشنام را جزئی از خطبه نماز جمعه قرار داده بود، وقتی با ضرار کنانی روبرو شد و ضرار حقیقت شخصیت بی‌همتای علی علیه‌السلام را بازگو کرد، صفاتی که در هیچکس پس از رسول خدا(ص) جز در امیر مومنان علی(ع) جمع نمی‌شود، نتوانست جلوی گریه خود را بگیرد، تا آنجا که محاسن معاویه تر شد، او هنگامی که اشک را از چشمان خود پاک می‌کرد به ضرار گرفت: «رحم الله ابی‌الحسن فقد کان والله کذلک» یعنی خداوند ابی‌الحسن را رحمت کند، بخدا سوگند او همانگونه بود که تو گفتی.

شخصی از خوارج نیز که نفرت خود را نسبت به حضرت علی علیه‌السلام آشکار می‌ساخت و آن حضرت را کافر (!) می‌پنداشت نمی‌توانست به عمق اندیشه و علم امیر المومنین(ع)، قدرت منطق و شخصیت بی‌نظیر ایشان اذعان نکند. او می‌گفت: «قائله الله کافر ما افقهه» یعنی خدا این کافر (!) را بکشد، هر چه مرد اندیشمند است.

در جایی دیگر و هنگامی که حضرت علی علیه‌السلام در مزرعه خود خارج مدینه مشغول بود، جمعی از صحابه در حالی که از معضلی که به آن گرفتار شده بودند به تنگ آمده بودند، نزد ایشان آمدند، آن حضرت(ع) پس از شنیدن سوال‌های آنها مشت از خاک را در دست قرار داد و سپس آن را بر زمین ریختند و فرمودند: «والله ان الاجابه علی سؤالکم اهون عندی من هذا» یعنی بخدا سوگند که پاسخ به سؤال شما برای من از این کاری که انجام دادم آسان‌تر است.

روزی عمر خلیفه دوم به آن حضرت(ع) گفت: «يا ابا الحسن انک لتعجل فی الحکم و الفصل للشیء» یعنی یا علی تو در صدور حکم و پاسخ نهایی عجله می‌کنی، علی علیه‌السلام دست خود را با انگشتان باز به عمر نشان داد و پرسید: کم هذا یعنی تعداد انگشتان من چند است؟ وقتی عمر بی‌درنگ پاسخ داد: پنج انگشت، علی علیه‌السلام به او فرمود: «عجلت یا اباحفص» یعنی ای اباحفص در پاسخ دادن به سؤال عجله کردی. عمر گفت: کم یخف علی یعنی پاسخ به سؤال شما بر من پنهان نبود و احتیاج به فکر کردن ندارد آن وقت حضرت(ع) فرمود: «وانا اسرع فیما لا یخفی علی» یعنی و من در پاسخ دادن به پرسش‌ها و مشکلاتی که گشایش آنها برایم روشن و واضح است، سریع‌تر هستم.

گر چه بسیاری از مناقب آن حضرت(ع) که بزرگان صحابه آرزوی داشتن یکی از آن‌ها را داشته

روز خندق از عبادت انس و جن بالاتر است، جایگاه معیار سنجش ایمان و نفاق مردم در حیات پیامبر(ص) و حق و باطل پس از رسول خدا(ص)، از آن اوست و همین معنی مورد تأیید رسول الله (ص) است که فرمود: علی مع الحق و الحق مع علی. بی‌شک امیر مومنان(ع) مشروع‌ترین راه برای ورود به مدینه علم و دانش با هدف به دست آوردن علوم گوناگونی است که انسان همواره در تمام عصور در تلاش برای دستیابی به آن بوده و هست. او نیز منبع معارف پنهانی است که علمای بشر برای دستیابی به آن بوده و هستند. او نیز منبع معارف پنهانی است که دانشمندان در زمانهای مختلف پیوسته در پی کشف آن و فک رموز و رسیدن به حقیقت آن کوشیده‌اند، چرا که دروازه هر شهر، تنها راه خروج است همانگونه که یگانه راه ورود نیز می‌باشد.

اگر رسول خدا(ص) مخزن سر خدا و علم الهی است و اوست که امین وحی پروردگار هستی و قرار دهنده قوانین کون و تکوین دهنده اسرار آن، پس هیچ احدی قادر به دستیابی به این علمی که خداوند به رسولش تعلیم فرموده نخواهد بود و هیچ کس قادر به رمزگشایی این رازها و ورود به آن نخواهد بود مگر کسی که بتواند از دروازه این علوم به مدینه العلم وارد شود. این مسیر میسر نمی‌شود مگر از سوی خداوند، خداوندی که وضع کننده همه قوانین و همه اسرار است. خداوند این علوم را برای آموختن و آشنایی با اسرار و رموز آن وضع نموده تا دیگران پس از دستیابی به آن (از طریق چشمه واقعی علم) از آن در همه زمینه‌ها استفاده نمایند.

چنانچه کسی بخواهد گامی در این علوم بردارد ولی نخواهد از راه مشروع و دروازه اصلی آن (یعنی حضرت علی(ع)) وارد شود قطعا در رسیدن به هدف ناکام خواهد شد و در زمره زیاده خواهان جسور و سارقانی قرار خواهد گرفت که قصد دستبرد چیزی را دارد که در آن حوزه از سوی خداوند به دیگران واگذار شده است.

علیرغم تلاش‌های فراوان برای سرپوش گذاشتن بر اخبار امیر مومنان(ع) و پنهان نمودن فضایل آنحضرت، فضایی که بازگوکننده علو جایگاه عظیم ایشان و عمق دانش فراوان حضرت می‌باشد، ولی تاریخ نمونه‌های زیادی را در زمینه مشکل‌گشایی و پاسخ‌های صریح ایشان به پرسش‌های دشوار در زمینه‌های مختلف، در خود جای داده است، پرسش‌هایی که بسیاری از اشخاص همدوره آن حضرت و صحابه رسول خدا(ص) از پاسخ به آن درماندند. بسیاری از این افراد کسانی بودند که به طور مستقیم با رسول خدا(ص) در ارتباط بودند و از چشمه جوشان علم ایشان نوشیدند اما در حل بسیاری از معماها و یافتن پاسخ صحیح برای بسیاری از پرسش‌ها عاجز ماندند.

عمر بن الخطاب خلیفه دوم بارها گفته است «لا یقانی الله لمعضله لیس لها ابوالحسن» یعنی خداوند مرا در هیچ مشکلی که ابی‌الحسن (علی علیه‌السلام) در کنار من نباشد وامگذارد. در روایتی دیگر: «أعوذ بالله من معضله لیس لها ابوالحسن» یعنی پناه می‌برم به خدا از مشکلی که ابی‌الحسن برای حل آن در کنار من نباشد.

تاریخ با صدای بلند و رسایی به این نکته اشاره می‌کند که جمله معروف «لولا علی لهلک عمر» یعنی اگر علی نبود عمر هلاک می‌شد، از آن خلیفه دوم است، و در روایتی دیگر: «لولا علی لافترضنا» یعنی اگر علی نبود ما همگان مفتضح می‌شدیم.

عبدالله بن عباس، بزرگ اندیشمند امت اسلام نیز می‌گوید «العلم عشرة اجزاء لعلی بن ابی طالب منها تسعة اجزاء و لجمیع الناس العشر الباقی، و هو

اشاره:

آنچه در پی می‌آید تحقیقی است پیرامون نهج البلاغه به قلم حجت‌الاسلام والمسلمین سیدصادق موسوی که توسط وی به سمینار نهج البلاغه بیروت ارائه گردیده است.

این سمینار سال گذشته در «کورال بیج» بیروت و تحت اشراف و سرپرستی میشل سلیمان رئیس جمهور لبنان برگزار شد. در این گردهمایی تعداد زیادی از نخبگان، روشنفکران و اندیشمندان شرکت داشتند که مقاله «آلام علی و نهج البلاغه» و تمام نهج البلاغه توسط حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای سیدصادق موسوی در این سمینار ارائه گردید.

همه می‌دانیم که کتاب نهج البلاغه در برگیرنده برخی از سخنان و خطبه‌های مولای متقیان حضرت امیر مومنان علی علیه‌السلام و نه همه فرمایشات ایشان است که این گلچین توسط علامه شریف رضی در اواخر دوران حکومت عباسی انجام گرفته است، اما مجموعه «تمام نهج البلاغه» ثمره تلاش و تحقیق حدود یک ربع قرن - آقای موسوی است که در ۸ جلد تلاش نمود فرمایشات دگر امیر مومنان(ع) را که در نهج البلاغه گزیده‌هایی از آن جمع آوری شده را بطور کامل گردآوری کند.

حجت‌الاسلام والمسلمین سیدصادق موسوی فرزند آیت‌الله سیدمحمدباقر موسوی شیرازی (مقیم مشهد مقدس) و نوه مرحوم آیت‌الله العظمی سیدعبدالله شیرازی از مراجع عظام نجف اشرف و مشهد مقدس است، که آنچه در پی می‌آید ترجمه فارسی تحقیق ارائه شده وی به سمینار نهج البلاغه بیروت است.

بسم الله الرحمن الرحيم

رب اشرح لی صرداری ویسر لی امری و احلل عقده من لسانی یفقهوا قولی کسانی که کمترین آشنایی با زبان عربی و هنر بلاغت و علم آن را نیز ندارند می‌دانند که امیر مومنان حضرت علی علیه‌السلام باب ورود به علوم مختلف و مرجع اصلی آن است. اوست امیر سخنان پر مغز و پر معنا، چرا که هیچ ادیب و سخنور عرب زبانی توان ایراد سخنانی فراتر و یا حتی هم‌تراز آنچه آن حضرت(ع) تاکنون فرموده است را ندارد. نه تنها در حد سخنان ایشان نمی‌وانند سخن بگویند بلکه همه سخنوران باید کلام آن حضرت را ترازوی برای سنجش سطح بلاغت خود قرار دهند. امیر مومنان(ع) بنیانگذار قواعد زبان عربی است و اوست که قواعد نحو را به ابی‌الاسود دثلی دیکته کرد، لذا بدین جهت علم نحو را نحو «نامیدند چرا که آن حضرت(ع) پس از مشخص نمودن قواعد این علم و پس از املائی آن به ابی‌الاسود فرمود: «وانح علی هذا النحو» یعنی علم نحو را با این شیوه پیاده کن. این موضوع چیزی است که کسی بر آن اختلاف ندارد.

صریح‌ترین و مستندترین کلامی که ادعای این مساله - که حضرت علی(ع) منبع همه علوم و امام بلاغت و پیشگام زبان عربی - را اثبات می‌کند، کلام رسول خدا در حدیثی متواتر نزد همه مذاهب اسلامی است، که فرمود: «انا مدینه العلم و علی بابها، فمن اراد العلم فلیأتها من بابها» من شهر علم و دانش ام و علی دروازه آن، هر که می‌خواهد وارد این شهر شود باید تنها از آن دروازه وارد شود.

حضرت علی(ع) افزون بر این که نخستین افرادی است که اسلام را پذیرفت، با توجه به جایگاه ممتاز وی نزد پیامبر اکرم(ص) و نیز سرمایه بی‌نظیر جهادی ایشان که رسول خدا(ص) درباره ایشان فرمود: «ضربه علی یوم الخندق افضل من عباده الثقلین» یعنی فضیلت ضربت شمشیر علی(ع) در

باشند، توسط بسیاری از نویسندگان و مورخان مخفی نگه داشته شده، اما اقرار به فضایل امیر مومنان علی علیه‌السلام در لابلائی کتاب‌های تاریخ و حتی برخی از کتاب‌هایی که به دست دشمنان و مخالفان کینه توزان حضرت نگاشته شده، به وفور دیده می‌شود.

و چرا علی علیه‌السلام دارای این مناقب نباشد در حالی که او کسی است که رسول خدا(ص) در روزهای آغازین ولادتش او را تحت پرورش خود قرار داد و این در حالی بود که وجود مبارک رسول خدا(ص) در آن زمان تحت تکفل عموی خود ابوطالب بودند و نیز پس از ازدواج پیامبر اکرم(ص) باحضرت خدیجه(س)، علی علیه‌السلام در سایه و کنف رسول خدا(ص) قرار داشت.

علی علیه‌السلام در پیروی کردن از اخلاق و رفتار رسول خدا(ص) همچون کودک جدا افتاده‌ای از مادر بود که برای رسیدن به مادرش پایاپای او راه می‌پیمود. او همواره گام در مسیر گام رسول خدا(ص) برمی‌داشت، اوست که پیامبر خدا(ص) هزار باب از علم و دانش به وی آموخت، هزار بابی که از هر باب آن هزار باب دیگر گشوده می‌شود.

اوست که پیامبر خاتم(ص) درباره وی فرمود: «أعلم الناس بالسنه والقضاء بعدی علی بن ابی طالب» یعنی داناترین کس به سنت و امر قضاوت در دین پس از من علی بن ابی طالب است و نیز درباره علی(ع) فرمود: «الحکم حکمه والقول قوله، لا یرد حکمه الا کافر، ولا یرضی به الا مومن» یعنی حکمی بالاتر از حکم او نیست و حرف آخر حرف اوست، کسی حکم او را مردود نمی‌داند مگر اینکه کافر باشد و کسی جز مومن به حکم او رضایت نمی‌دهد. چرا چنین نباشد در حالیکه رسول خدا(ص) هر روز یکی از اصول اخلاق رفیع خود را به علی(ع) نشان می‌داد و از او می‌خواست از همان اوان کودکی به اخلاق وی اقتدا کند.

علی علیه‌السلام کسی بود که اگر شب هنگام وحی الهی بر رسول خدا(ص) نازل می‌شد، پیامبر خدا(ص) پیش از طلوع آفتاب خبر نزول وحی را به اطلاع وی می‌رساند و اگر در روز وحی نازل می‌شد، پیش از فرا رسیدن شب خبر وحی را به اطلاع علی(ع) می‌رساند.

امیر مومنان علی علیه‌السلام ویژگی رفتار محبت آمیز میان خود و رسول خدا(ص) را در یکی از خطبه‌ها این گونه بیان می‌کند: «وضعنی فی حجره و انا ولید، یضمنی الی صدره و یکنفنی فی فراشه، و یمسني جسده و یشمنی عرفه و کان یمضغ الشیء ثم یلقمنیه و لقد کان یجاور فی کل سنه بحراء فاراه و لا یراه غیری»

یعنی او مرا از دوران نوزادی در دامن خود می‌گرفت، مرا در آغوش می‌کشید و در بستر خود می‌خوابانید. او مرا چنان تنگاتنگ به خود نزدیک می‌ساخت که بوی عطر نیکوی نبوت را به خوبی استشمام می‌کردم. او لقمه غذا را می‌جوید و سپس در دهان من می‌گذاشت. او هر سال چند روز به غار حرا به قصد خلوت با خدای خویش می‌رفت و من تنها کسی بودم که در کنار او بودم و جز من کسی دیگر نبود.

علی علیه‌السلام در این خطبه به اندازه نزدیک

حضرت(ع) سپس رو کردند به عبدالله بن عباس و فرمودند: «مأبالک لا تسأل» یعنی چه شده؟ چرا سؤال نمی‌کنی؟ ابن عباس پاسخ داد: «کانت لدی اسئله کثیره و لکنی اشفقت علیک یا امیرالمؤمنین لما رأیت الوهن الذی اصاب جسمک» یعنی پرسش‌های زیادی در ذهن داشتم ولی وقتی جسم بیمار و ناتوانت را دیدم سعی کردم رعایت حالت را بکنم و از طرح سوالات منصرف شدم، اینجا نیز حضرت امیر(ع) از عادت همیشگی خود یعنی انتقال علم خود به دیگران دست برداشت و ابن عباس را از آنچه در سینه پنهان داشته بود مطلع ساخت و به همه پرسش‌های او پاسخ داد.

آن حضرت(ع) و در حالی که نفس‌هایش به شماره افتاده بود از پاسخ به سؤال اصعب بن نباته سرباز نزد و آنچه او به دنبالش بود در کلام و پاسخ مفصل امیرمومنان(ع)، به دست آورد.

پیش از این نیز امیرمومنان(ع) مردم را به بهره‌گیری از چشمه‌سار علم خویش فراخوانده بود. آن حضرت(ع) روزی بر بالای منبر فرمود: «من یشتري منی علما ب درهم؟» یعنی چه کسی با مبلغ یک درهم از من علم فراوان خریداری می‌کند؟ بسیاری از کسانی که آنجا بودند معنی کلام ایشان را نفهمیدند ولی حارث اعور که در آن لحظه در آنجا حضور داشت از جا برخاست، به بازار رفت و کاغذهایی را به قیمت یک درهم خرید. او به طرف امیرمومنان(ع) رفت و آن حضرت(ع) علم فراوانی به او املا کرد و حارث بر روی کاغذهای خریداری شده نوشت و پس از شهادت حضرت امیر(ع) مردم به سراغ حارث می‌رفتند تا از علمی که حضرت علی(ع) نزد او به ودیعه گذاشته بود، بهره‌مند شوند. علیرغم اینکه مردم را از علم خود بهره‌مند و مستفیض ساخت ولی می‌بینیم که آن حضرت(ع) با آه و حسرت در حضور کمیل بن زیاد که از برجسته‌ترین یاران او بود، می‌فرمود: «ههنا (مشیرا الی صدره) لعلمنا جما لو أصبحت له حمله» یعنی آن حضرت(ع) به سینه خویش اشاره کرد و فرمود در اینجا علم فراوانی وجود دارد و کاش می‌شد کسی پیدا شود و آن را بتواند با خود حمل کند.

همه این وقایع در تاریخ و احادیث و مسندهای صحیح نزد مذاهب مختلف ثبت گردیده که بخاطر تنگی مجال قصد ورود و ذکر سندها را ندارم.

برگردان به فارسی: سید محمود جوادى-

جمهوری اسلامی

از من درباره آن پرسید. آن حضرت(ع) در جای دیگری نیز فرمود: «سَلُونِي قَبْلَ انْ تَفْقَدُونِي فَوَاللّٰه مَا تَسْأَلُونِي عَنْ شَيْءٍ مَضَى وَلَا شَيْءٍ يَكُونُ اِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ اِلَّا اَنبَأْتُكُمْ بِهِ» یعنی از من سؤال کنید پیش از آن که مرا از دست بدهید، به خدا سوگند درباره هرچه که در گذشته اتفاق افتاده و یا قرار است در آینده اتفاق بیفتد تا روز قیامت، از من بپرسید به شما جواب می‌دهم.

در جایی دیگر فرمود: «سَلُونِي قَبْلَ انْ تَفْقَدُونِي فَانْ عِنْدِي عِلْمَ الْاَوَّلِينَ وَالْاٰخِرِينَ. سَلُونِي عَنْ اَسْرَارِ الْغُيُوبِ فَانِي وَاَرَثَ عِلْمَ الْاَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ.» یعنی از من سؤال کنید پیش از آنکه مرا از دست بدهید، چرا که علم اولین و آخرین نزد من است. از من درباره اسرار غیب و آنچه پنهان است بپرسید که من وارث علوم انبیاء و مرسلین هستم.

حضرت علیه السلام جملات فوق را کراراً برای مردم در آن زمان مطرح نمود و تأییدش از شهادتش برای اینکه امت از اندوخته عظیم و بیکران علمی و در عین حال متنوع و مورد نیاز هر انسان در هر دوران، که نزد ایشان وجود داشت استفاده نمایند از مردم می‌خواست از او درباره هر آنچه دوست دارند بپرسند و آن حضرت(ع) پاسخ بدهد.

هرگاه آن حضرت(ع) خطبه مفصلی می‌خواند و عبارت سلونی را می‌فرمود و نیز به دنبال آن حاضران در مسجد پس از پرسش کردن باز می‌ایستادند، آن حضرت(ع) به شیوه دیگری، مردم را به سوال کردن تحریک می‌نمود تا انگیزه پرسیدن را میان آنها بالا ببرد و بتواند از علمی که از رسول خدا (ص) به ایشان رسیده، مردم را مستفیض کند.

آخرین بار که امیر مومنان علی علیه السلام فرمود: «سَلُونِي» دقیقی قبل از جان سپردن بود، آن حضرت(ع) که با ضربه شمشیر زهر آگین ابن ملجم مرادی ملعون قدرت و توانش به شدت کاسته شده بود، از مردم خواست تا از وی هر سئوالی که می‌خواهند بپرسند. امام حسن مجتبی(ع) که بر بالین ایشان بود وقتی دید که امیر مومنان در چنین شرایطی نیز از مردم می‌خواهد از وی سؤال کنند، برای اینکه رعایت حال آن حضرت(ع) شود به مردم فرمود: «سَلُوا وَ خَفُوا» یعنی بپرسید ولی با اختصار سوالات را مطرح کنید.

مردم پس از اینکه آخرین دیدار و ملاقات خود را با امیر مومنان(ع) کردند و پاسخ سؤال‌های متعدد خود را دریافت نمودند، آنجا را ترک کردند. آن

السلام باشد. آن حضرت(ع) روزی فرمود: «سَلُونِي قَبْلَ انْ تَفْقَدُونِي فَلَا نَا بِطَرَقِ السَّمَاءِ اعْلَمَ مِنِّي بِطَرَقِ الْاَرْضِ» یعنی از من سؤال کنید قبل از اینکه مرا از دست بدهید، چرا که من در شناخت راه‌های آسمان از راه‌های زمین داناترم و باری دیگر فرمود: «سَلُونِي قَبْلَ انْ تَفْقَدُونِي فَوَاللّٰه اِنِّي لَا اَسَالُ عَنْ شَيْءٍ دُونَ الْعَرْشِ اِلَّا اخْبَرْتُ عَنْهُ.» یعنی از من بپرسید قبل از اینکه مرا از دست بدهید، به خدا سوگند هر پرسشی که مادون عرش الهی باشد را پاسخ می‌دهم.

در جای دیگر فرمود: «سَلُونِي قَبْلَ انْ تَفْقَدُونِي، سَلُونِي عَنْ كِتَابِ اللّٰهِ عَزَّوَجَلَّ فَمَا نَزَلَتْ اَيُّهُ فَيُ لِيل وَلَا نَهَار وَلَا مَسِير وَلَا مَقَام اِلَّا وَ قَدْ اقْرَأْنِيهَا رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلَهُ وَ سَلَّمَ وَ اَمْلَاها عَلَي فَاكْتَبْتُهَا بِخَطِّي، وَ عِلْمَنِي تَفْسِيرَهَا وَ تَاوِيلَهَا.» یعنی بپرسید از من قبل از اینکه مرا از دست بدهید، از من درباره کتاب خدا بپرسید. به خدا سوگند هیچ آیه‌ای چه در شب و چه در روز و در هر جایگاه و مقامی نازل نمی‌شد مگر آنکه رسول خدا(ص) آن را برای من تلاوت کند و من با املاى رسول خدا(ص) آن آیه‌ها را با دست خط خود می‌نوشتم و آن حضرت(ع) به من تفسیر و شان نزول آن آیات را می‌آموخت.

در جای دیگری نیز فرمود: «سَلُونِي قَبْلَ انْ تَفْقَدُونِي، فَوَالَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَ بَرَا النَّسَمَةَ اِنِّي لَا عِلْمَ بِالتَّوْرَةِ مِنْ اَهْلِ التَّوْرَةِ وَ اِنِّي لَا عِلْمَ بِالْاَنْجِيلِ مِنْ اَهْلِ الْاَنْجِيلِ، وَ اِنِّي لَا عِلْمَ بِالْقُرْآنِ مِنْ اَهْلِ الْقُرْآنِ وَ لَوْ لَنْ فَقَدْتُمُونِي لَنْ تَجِدُوا احِداً يَحْدِثُكُمْ حَدِيثِي.» یعنی بپرسید از من قبل از اینکه مرا از دست بدهید، سوگند به آن کسی که هسته را شکافت و باد و نسیم را وزاند. من در علم کتاب تورات نسبت به اهل تورات داناترم و نسبت به اهل انجیل در کشف معانی انجیل دانا ترم و در علم قرآن میان اهل قرآن دانا ترم. اگر مرا از دست بدهید، کسی را نخواهید یافت که همچون من برای شما اسرار نهفته را بیان کند.

آن حضرت(ع) در جای دیگر فرمود: «سَلُونِي قَبْلَ انْ تَفْقَدُونِي، فَوَالَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلَهُ بِالْحَقِّ وَ اَكْرَمَ اَهْلَ بَيْتِهِ، اِنْ فَي الْقُرْآنِ عِلْمَ الْاَوَّلِينَ وَالْاٰخِرِينَ، وَ مَا مِنْ شَيْءٍ تَطْلُبُونَهُ اِلَّا وَ هُوَ فَي الْقُرْآنِ، فَمَنْ ارَادَ ذَلِكَ فَلْيَسَالْنِي عَنْهُ.»

یعنی بپرسید از من پیش از آنکه مرا از دست بدهید. سوگند به خدایی که محمد(ص) به حق فرستاد و خاندانش را کرامت بخشید، علم اولین و آخرین در قرآن وجود دارد، و هرچه شما در پی آن هستید در قرآن وجود دارد و هر که به دنبال آن است

کتاب «۳۶۵ روز با قرآن» استاد الهی قمشه‌ای رونمایی شد



کتاب، خاطرنشان کرد: ساختار این کتاب از یک مقدمه تشکیل شده که به توحید و داستان احد و احمد و به چگونگی بهره‌مندی بزرگان ادب فارسی و دیگر کشورها از قرآن پرداخته است. در ادبیات غرب، مهم‌ترین منبع نویسندگان، کتاب مقدس است؛ چرا که اگر به آثار نویسندگان غربی نگاه کنیم، اهمیت کتاب مقدس در آثارشان دیده می‌شود.

او افزود: حسین الهی قمشه‌ای در مقدمه‌ی این کتاب به اهمیت قرآن در آثار سنایی، حافظ و مولوی و نکاتی که بزرگان غرب مانند گوته، ویکتور هوگو و گاندی درباره‌ی پیامبر (ص) گفته‌اند، اشاره کرده است.

در بخش بعدی این نشست، استاد حسین الهی قمشه‌ای با بیان خاطراتی، با اشاره به عظمت آیه‌ی «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ» بیان کرد: عالم بسم الله محدود به کلمه نیست؛ چرا که اگر انسان به آن آراسته شود، در چهره‌اش آشکار می‌شود.

او با اشاره به این که ما در فضای جهانی بزرگ شده‌ایم و انسان متعلق به جهان است، اظهار کرد: من در نوجوانی با کتاب‌های «یک، دو، سه، بی‌نهایت، از جهان‌های دور، مثنوی الاطفال» و ...

بودن خود به رسول خدا(ص) و توصیف منزلت و جایگاه عظیم خود نزد پیامبر اکرم(ص) اشاره می‌کند و می‌فرماید: «وَلَقَدْ سَمِعْتُ رِنَةَ الشَّيْطَانِ حِينَ نَزَلَ الْوَحْيُ عَلَيهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلَهُ وَ سَلَّمَ فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللّٰهِ مَا هَذِهِ الرِّنَةُ؟ فَقَالَ: هَذَا الشَّيْطَانُ قَدْ اِيسَ مِنْ عِبَادَتِهِ. اِنَكَ تَسْمَعُ مَا اَسْمَعُ وَ تَرَى مَا ارَآی اِلَّا اِنَكَ لَسْتَ بِنَبِيٍّ وَ لَكِنَّكَ لَوْزِيرُو اِنَكَ عَلَي خَيْرٍ» یعنی روزی صدای ناله شیطان را هنگام نزول وحی بر رسول خدا(ص) شنیدم، پرسیدم: ای رسول خدا(ص) این ناله صدای چیست؟ فرمود: این صدای شیطان است که از پرستش خویش مایوس شده است. تو آنچه را من می‌شنوم، می‌شنوی و آنچه را من می‌بینم، تو می‌بینی جز اینکه تو پیامبر نیستی بلکه وزیر من هستی و در مسیر خیر و نیکی قرار داری.

رسول خدا(ص) بارها در میان مردم به طور صریح و آشکار به این موضوع اشاره کرده است که علی(ع) نفس من است. این ارتباط صمیمی و جایگاه ممتاز و ویژه‌ای که حضرت علی(ع) نزد پیامبر(ص) داشت تا لحظات آخر حیات رسول خدا (ص) ادامه داشت و در آن لحظه‌ای که سر شریف پیامبر(ص) بر روی سینه علی(ع) بود پیش از آنکه جان به جان آفرین تسلیم کند تمام علوم الهی که نزد ایشان بود به علی(ع) سپرد و به وی گفت که پس از او چه فتنه‌هایی برپا خواهد شد و حوادثی که در آینده پیش خواهد آمد و احوال مردم در زمان‌ها و مکان‌های مختلف چگونه خواهد بود.

امام جعفر صادق(ع) مشهور به عالم اهل بیت، صاحب مدرسه‌ای که هزاران شاگرد در زمینه علوم مختلف در آن درس می‌آموختند و استاد مذاهب فقهی رایج چهارگانه، می‌فرماید: «كان في ذوابة سيف النبي صلى الله عليه و آله و سلم الذي كان يحملها عليه السلام صحيفة صغيرة هي الاحرف الالف التي يفتح كل حرف منه الف حرف، في خرج منها الاحرفان حتى الساعة.» یعنی درحفظه‌ای بر روی غلاف شمشیر رسول خدا(ص) که آن را با خود حمل می‌کرد کتابچه کوچکی قرار داشت که در آن کتابچه هزار حرف نوشته شده بود که هر یک از این حروف هزار حرف دیگر را می‌گشود و تاکنون تنها دو حرف از آن همه حرف برای ما آشکار شده است.

تاریخ به یاد ندارد که عبارت «سَلُونِي قَبْلَ انْ تَفْقَدُونِي» متعلق به کسی جز حضرت علی علیه

نشست رونمایی و معرفی کتاب «۳۶۵ روز با قرآن» نوشته‌ی استاد حسین الهی قمشه‌ای در مرکز فرهنگی شهر کتاب برگزار شد.

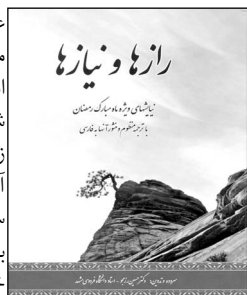
علی اصغر محمدخانی - معاون فرهنگی شهر کتاب - در ابتدای این نشست، اظهار کرد: عنوان مجموعه‌ای که الهی قمشه‌ای فراهم کرده، مجموعه‌ی «جوانان و فرهنگ جهانی» است که هدف آن، آشنایی جوانان، همه‌ی اقشار و علاقه‌مندان به فرهنگ و ادبیات غرب و شرق جهان با مجموعه‌های گوناگون از شاعران و متفکران بزرگ و دیگر موضوعات است.

او با اشاره به این که تا کنون چهار جلد از این مجموعه منتشر شده است، عنوان کرد: عنوان این مجموعه‌ها، «۳۶۵ روز با سعدی» و «۳۶۵ روز با مولوی» و عنوان مجموعه‌ی جدید، «۳۶۵ روز با قرآن» است که ایشان با توجه به اهمیت متن قرآن - که اصلی‌ترین کتاب متنی ما مسلمانان است - این کتاب جدید را قلب مجموعه نام‌گذاری کرده‌اند.

البته قرار است کتاب‌های دیگری در این زمینه با عنوان «۳۶۵ روز با فردوسی، حافظ، دانه و غیره منتشر شود.

محمدخانی در ادامه درباره‌ی ساختار این

یک کتاب خواندنی و آموزنده از استاد دکتر حسین رزمجو



اخیراً چاپ دو اثر معروف و خواندنی از ادیب و شاعر فرزانه: جناب دکتر حسین رزمجو استاد نمونه دانشگاه فردوسی مشهد، که سابقه ای افزون بر پنجاه سال کار موفق در تولید ادبیات متعهد اسلامی با کارنامه‌ای درخشان را دارا است، توسط مجمع جهانی اهل بیت (ع) در تهران به زیور طبع آراسته شده و به دوستداران کتاب های خوب اهدا گردیده است.

ضمن آرزوی موفقیت برای مؤلف محترم که عناوین 'شمع جمع آفرینش' و: 'رازها و نیازها' را برای آثار خود برگزیده است، این دو کتاب در این شماره و شماره بعد نشریه به خوانندگان گرامی معرفی می شود.

رازها و نیازها

نیایش های ویژه ماه مبارک رمضان
این کتاب که چاپ دوم آن در بهار سال جاری (۱۳۹۰ ش) توسط مجمع جهانی اهل بیت (ع) در تهران انجام یافته و در تیراژ سه هزار نسخه و به طالبان معرفت عرضه شده است، سروده و تدوین جناب دکتر حسین رزمجو استاد دانشگاه فردوسی مشهد می باشد، که از لحاظ طبقه بندی موضوعی به هفت بخش ذیل تقسیم گردیده و با پیشگفتاری عارفانه به سلک نظم در آمده است:

- بخش اول - ماه خدا و نیایش های پیشاهنگ آن.

- بخش دوم - نیایش های سی روزه ماه مبارک رمضان.

- بخش سوم - دعاها و مشترکی که پس از هر نماز واجب خواندن آن مستحب است.

- بخش چهارم - نیایش های ویژه شب هنگام ماه خدا.

- بخش پنجم - نیایش های شب های قدر.

- بخش ششم - نیایش های سحرگاهان ماه خدا.

- بخش هفتم - دعاها و ویژه آخرین شب ماه رمضان یا وداعیه های با آن.

مؤلف و سراینده این اثر بدیع، ضمن پیشگفتاری زیبا و متین پیرامون عظمت آفرینش خداوند و این که عالم هستی آکنده از رازهایی سر به مهر است، چنین نگاشته است: آفرینش آکنده از اسرار ی ست که نشانگر دانش بیکران و توانایی پایان ناپذیر خداوندی ست، که هرگاه اراده به وجود آمدن چیزی را کند با فرمان 'کن' - باش - آن را لباس هستی پوشد. و از پرده نیستی به منصف ظهور درآورد. پروردگاری که ذاتش ازلی ست و ملکش ابدی، لطفش عمیم و آفریده هایش بسیار، و بی شمار و جلال و جلالش در همه کائنات نمودار است. 'تَسْبِيحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَ إِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يَسْبِيحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ'. آفرینش همه تنبیه خداوند دل است

دل ندارد که ندارد به خداوند اقرار کوه و دریا و درختان همه در تسبیح اند نه همه مستمعی فهم کند این اسرار از ذره تا کهکشان و از انسان تا حیوان و نبات و جماد: هر یک آیتی روشن بر یکتائیش هستند.

او در لبخند سپیده دم، در چشم خونپالای

غروب، در چهره آفتاب و مهتاب، در کوه، جنگ و دریا، در ابر و باد و باران، در گل و سبزه و شبنم، در نغمه پرندگان، در زمزمه جویباران، در فریاد آذرخش و خشم طوفان، در نسیم سبکبال و رهگذر از بوستان و بیابان، در زمین و آسمان، خلاصه - در همه کائنات جلوه گر است و نشانه های قدرتش با چشم دل و دیده ظاهرین انسان، درک و مشاهده می شود و یا به تعبیر لسان الغیب - حافظ :-

جلوه گاه رخ او دیده من تنها نیست
ماه و خورشید همین آینه می گردانند!
و بی گمان آنچه موجب حیرت زائی بیننده آثار
صنع می گردد: وجود رازهایی سر به مهر
است، که آشکار شد نشان جز در سایه
اندیشیدن و پژوهش و کوشش دائمی و پیمودن راهی که خود جهان آفرین نشان داده و
از طریق وحی به پیامبرانش ارائه فرموده، میسر
نیست. چه خویشتن گفته و چه خوش فرموده
است: 'أَنَا هَدِيْنَاهُ السَّبِيْلَ إِمَّا شَاكِرًا و إِمَّا كَفِرًا'

و چون لازمه هر زاری در آفرینش، نیازی ست که آدمی را به تکاپو بر می انگیزد، و راه گشایش و دست یابی به آن را برایش آسان می کند؛ نیاز به کندوکاو، نیاز به آموختن دانش و شناخت وظیفه و آگاهی از اهداف بلند آفریدگار در این که جهان را به بیهودگی و عبث نیافریده - چنانکه خود فرموده: 'أَفَحَسْبُكُمْ إِنْمَّا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَاَنْتُمْ الْإِنْسَانُ لَا تَرْجِعُونَ؟! فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ... '... و از آنجا که اراده جهان آفرین بر این تعلق گرفته که همای سعادت بر قله رفیع سعی و کوشش و تکاپو آشتیان گزیند، و آب حیات در ظلمات زحمت و استقامت جاری باشد، تا جویندگان بهروزی و کمال به رهبری خضر پیروزی دانایی آن قله را تسخیر کنند و بر تاریکی ها چیره شوند و به آب زندگی و بقا رسند و حیات جاویدان یابند و مآلاً: همواره موانع و بن بست هایی در این طریق پیش روی آدمی ست و پیوسته در وادی هایی حیرت زا و توافر ساگام می نهد، که به تعبیر سالکی فرزانه: از هر طرف که رفتم جز حیرتم نیفزود

زنهار از این بیابان، وین راه بی نهایت!
این راه را نهایت صورت کجا توان بست؟

کس صد هزار منزل بیش است در بدایت...؟!
به دنباله این مقدمه، مؤلف درباره فواید دعا و زمان های مناسب انجام نیایش که مظان استجاب در آن بیشتر است، مخصوصاً ماه مبارک رمضان - با توجه به این که ماه خدا منزلی خاص دارد، چه قرآن کریم در آن بر پیامبر (ص) نازل شده است: 'شهر رمضان الّذی انزل فیهِ القرآنُ هدیً لِلنَّاسِ و بَیِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَ الْفُرْقَانُ' بعلاوه شب قدر که فضیلت آن بیش از هزار ماه یا افزون بر هشتاد سال است: 'لَیْلَةُ الْقَدْرِ خَیْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ' در این ماه قرار دارد. یا در حقیقت: رمضان مبارک: جزء ایامی است که رحمت ها و نعمت های واسعه الهی شامل حال مؤمنان راستین می شود. و به تعبیری دیگر: این ماه - به واقع بهارگاه دل ها و فصل رویش معنویت در فضای جان دین باوران یکتاپرست است که از راه تلاوت قرآن مجید و تأمل در آیات آن و خواندن دعاها و ویژه روزها، شب ها و سحرگاهان این ماه به منصف ظهور می رسند، و روح نیایشگر را چونان پرندۀ ای سبکبال در آسمان بیکران معنویت به پرواز در می آورند و از این رهگذر معراج جان را برایشان فراهم می کنند.

البته در پایان این بحث به پایگاه والای دعا

در قرآن مجید اشارتی شده و سابقه دیرینه آن در آثار ادب کهن فارسی - که اغلب آنها به واقع عصاره هایی از حکمت های قرآنی و معارف اسلامی هستند، تحلیل گردیده و شواهدی از بزرگانی چون: خواجه عبدالله انصاری، ناصر خسرو قبادیانی، نظامی گنجوی، سنایی غزنوی، جلال الدین مولوی، مصلح الدین سعدی و لسان الغیب - حافظ - ارائه شده است. و همانطور که به هنگام معرفی 'شمع جمع آفرینش'، بحث درباره ویژگی های لفظی و معنوی و بررسی سبک نگارش و سرایش 'رازها و نیازها' نیز آن اندازه مهم است، که مقاله ای مستقل را در این مورد می طلبد که چون مجال چنین فرصتی نیست با اشارات به نکته هایی از بخش سخن ناشر چاپ دوم آن (مجمع جهانی اهل بیت (ع)) که کلیات ارزنده ای را درباره جنبه های آموزنده کتاب مذکور در داوری عالمانه خود اظهار داشته اند، به بحث معرفی 'رازها و نیازها' حسن ختام می بخشیم و خوانندگان گرامی را به مطالعه خود این اثر توصیه می کنیم. از جمله نکته های حائز اهمیت در سخن ناشر این است که نگاشته اند:

اگرچه در سال های اخیر در زمینه ادعیه و مناجات توسط بزرگان دین کتب مختلفی به زیور طبع آراسته شده است، ولی کتاب 'رازها و نیازها' به قلم پژوهشگر و محقق متعهد خراسانی - که برای نخستین بار در قالب منظوم روانه بازار گردیده اثری ست کاملاً بدیع و خواندنی. جناب آقای دکتر حسین رزمجو استاد دانشگاه و فرهیخته نامدار که اخیراً کتاب حاضر را به مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام واگذار کرده اند، تاکنون بیش از چهل جلد کتاب در زمینه موضوعات دینی، ادبی، اجتماعی، تربیتی و... تألیف نموده و دهها مقاله از ایشان در مجلات معتبر داخل و خارج از کشور طبع و نشر شده است.

در کتاب حاضر نیایش های ویژه ماه مبارک رمضان با زبانی بسیار ساده و گویا و تأثیرگذار به شعر برگردانده شده است، و نویسنده این اثر ضمن امانتداری روح هر اثر و پیام معنوی و اخلاقی نسخه های عربی آن و همچنین ترجمه فارسی خود در برگرداندن به قالب منظوم؛ تلاش نموده است تا برای مخاطبان در گروه های سنی مختلف جذاب و گیرا باشد. و از آن جایی که مدرنیته و پیچیدگی هایی که در زندگی شهرنشینی امروز به طور لجام گسیخته تلاش بر کمرنگ کردن معنویت در سطح جوامع نموده و امنیت و آرامش انسان امروز را به مخاطره انداخته، لذا ضروری ست با پرداختن به ادعیه و مناجات ها یا نیایش هایی که ارتباط میان خالق هستی و انسان ها را فراهم می نماید و زمینه های ایجاد امید و نشاط و آرامش و انتظار را در جهت فلاح و صلاح و رستگاری در میان جوامع دین باور به وجود می آورد، چاپ کتبی از این دست، آن هم با شیوه ای کاملاً متفاوت و زبانی نور برای راز و نیاز با پروردگار یگانه می طلبد، که خوشبختانه این ویژگی های معنوی در کتاب رازها و نیازها جمع است. و مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام در راستای ترویج روح معنویت در سطح جامعه و گسترش فرهنگ دینی: کتاب رازها و نیازها را به دست چاپ سپرده و ضمن توفیق روزافزون برای پژوهشگر ارجمند جناب آقای دکتر حسین رزمجو استاد نمونه دانشگاه فردوسی مشهد، امید آن دارد که از سوی علاقه مندان مکتب اهل بیت (ع) مورد توجه و استفاده قرار گیرد.

رونمایی از ترجمه قرآن کریم دکتر حداد عادل

دکتر حداد عادل در مراسم رونمایی از ترجمه خود از قرآن کریم که در نوزدهمین نمایشگاه قرآن کریم برگزار شد گفت: مقام معظم رهبری بارها نسبت به ترجمه قرآن کریم به بنده سفارش کرده بودند و بعد از اینکه قرآن منتشر شد بسیار اظهار خوشبختی کردند.

وی با بیان اینکه نیت از ترجمه قرآن کریم فقط این است که در محافل جمهوری اسلامی که قرآن تلاوت می شود بعد از تلاوت، معنی قرآن نیز خوانده شود، گفت: به علت گرفتاری و مشغله بسیار و دقتی که لازم بود صرف این ترجمه شود و اصرارم مبنی بر اینکه قبل از چاپ هر کسی که نظری دارد باید این کتاب را مطالعه کند و نظر بدهد؛ این ترجمه ۹ سال به طول انجامید.

رئیس فرهنگستان ادب فارسی با بیان اینکه: البته از کسانی نظر خواستم که هم در ادبیات عرب و هم در ادبیات فارسی صاحب نظر بوده اند، افزود: از ترجمه های موجود در کشور نیز استفاده کردم که البته در حال حاضر صحبت از نقص ترجمه ها نیست؛ هیچ ترجمه ای از جمله ترجمه بنده نیز کامل نیست، این ترجمه در کنار سایر ترجمه ها گامی در جهت آشنا کردن مردم با قرآن است.

رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی گفت: ترجمه قرآن کریم به زبان فارسی، که تاریخی ۱۲۰۰ ساله دارد، در دو سه دهه اخیر در ایران رونق و رواج بسیار یافته است. در این سال ها، ده ها تن به ترجمه کلام الهی به فارسی همت گماشته اند و کوشیده اند تا در فهم معانی و حقائق قرآنی به فارسی زبانان مدد رسانند.

وی افزود: فراوانی ترجمه های قرآن در سال های پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران از نیاز روزافزون جامعه به فهم قرآن و علاقه مردم به آگاهی از معانی آیات این کتاب گرامی حکایت می کند. رجوع به ترجمه فارسی و مطالعه آن همراه و همزمان با تلاوت متن قرآن، روز به روز در کشور مایشتر می شود.

دکتر حداد عادل ادامه داد: در بسیاری از مساجد هم اکنون مرسوم شده که نمازگزاران پس از ادای نماز جماعت به صورت مستمر و منظم در حلقه هایی قرآنی صفحاتی از قرآن کریم را همراه با ترجمه آن قرائت می کنند. با این حال، هنوز خواندن ترجمه آیاتی که در محافل دینی و مجامع رسمی تلاوت می شود عمومیت نیافته و سنت نشده است.

وی گفت: قصد و نیت مترجم در این ترجمه این بوده است که راه را برای فهم قرآن و تعمیم و تسهیل مراجعه به ترجمه و خواندن آن همراه با تلاوت آیات هموارتر سازد و حتی الامکان کوشیده است تا علاوه بر بهره گیری از دستاوردها و تجربه های بسیاری از مترجمان قدیم و جدید اصولی را رعایت کند.

دکتر حداد عادل سپس به بیان اصولی که در ترجمه قرآن کریم باید رعایت شود پرداخت و افزود: ترجمه باید نثری درست و استوار و رسا و شیوا و روان داشته باشد و بتواند خواننده را اندکی با فصاحت و بلاغت قرآن، که از وجوه مهم اعجاز کلام الهی است، آشنا کند. و علاوه بر آن ترجمه باید به زبان فارسی متداول و معیار امروز باشد؛ زبانی برکنار از تقلید سبک قدما و مصون از سهل انگاری های بسیاری از نثرهای امروزی، و به دور از افراط در فارسی گرایی و عاری از لغات و اصطلاحات عربی نامأنوس و غیرمتداول در زبان فارسی.

رئیس فرهنگستان زبان با اشاره به اینکه در این ترجمه سعی شده از استعمال واژه هایی که معانی آن ها نزد عموم فارسی زبانان امروز شناخته نیست خودداری شود، افزود: شمار واژه هایی که ذکر معنای آن ها در پانویست ضروری دانسته شده، از چند واژه بیشتر نیست. دیگر آنکه سعی شده از توضیحات تفسیری خودداری شود و ترجمه با تفسیر آمیخته نشود.

وی گفت: مترجم در مواردی که مفسران در تفسیر آیه ای اختلاف نظر داشته اند، ترجمه خود را براساس تفسیر المیزان بنا نهاده است. شمار بعضی توضیحات تفسیری که در پانویست آمده است نیز از چند مورد بیشتر نیست. همچنین کسانی که می خواهند ترجمه قرآن و از جمله این ترجمه را در مجالس و محافل قرائت کنند لازم است توجه داشته باشند که خواندن درست ترجمه فارسی نیز شرایطی دارد که باید رعایت شود.

دکتر حداد عادل ادامه داد: همان طور که در تلاوت آیات، رعایت قواعد تجوید و ترتیل و آگاهی از مواقف فصل و وصل و تکیه و تأکید سبب فهم بهتر قرآن می شود، در زبان فارسی نیز رعایت ظرافتی که سبب می شود تا عبارات ها گوش نوازتر و دلنشین تر شوند ضرورت دارد.

و لقد كتبنا فی الزبور من بعد الذكر أن الأرض یرثها عبادى الصالحون

بخش دوم

باد خاور؛ باختر را خواهد برد!

(امواج انقلاب فرامیهنی ملت ها)



بنیادگرایی تا مردم سالاری طارق رمضان: ترجمه ایرج جودت. شرق ۲۷/۱۲/۸۹

شاید به این جهت است که اخوان المسلمین، درخواست تأسیس حزب "عدالت و آزادی" را مطرح کردند. بویژه این که قانون سابق مصر، اصلاح شده و ممنوع بودن فعالیت اخوان، نیز پایان یافته است و باید گامی تازه بر اساس شرایط جدید برداشته شود.

دلیل حساسیت غربیان و بالاخص آمریکا، نیز به جهت هشپاری و مهارت بالای مدیریتی و آشنایی با تحولات جهانی و منطقه ای است. لذا سازمان سیا، ۱۵ سال پیش در گزارشی از خاورمیانه و آینده آن، با خطرناک تر توصیف کردن اخوان المسلمین و جریان های میانه روی مانند آن، تلویحاً تأکید نمود که اعمال تندروانه (مثلاً کارهای تروریستی کور!) به نفع و بدلخواه آنها تمام می شود. زیرا با این رفتارهای افراطی و خشونت آمیز است که زمینه حضور نظامیان خارجی، به بهانه نامنی و خشونت راهموار می سازد.

اخوانی ها، که فعلاً میانه چکش کوبنده آمریکا و سندان تندروها قرار دارد، باز هم تلاش دارد که از این اتهام جان سالم بدر برد. چنانچه در ابتدای انقلاب مصر، نمودار شدن بعضی خشونت ها، اخوانی ها را متهم نمودند، که سخنگویی اخوان، اعلان کرد: این کارها برنامه دولت مبارک و افراطی ها است.

محمد بدیع، رهبر کنونی اخوان، از همان آغاز قیام، با صدور بیانییه هایی که در یک طرح ۶ ماده ای اعلان شد، از دستگاه قضایی، خواستار کناره گیری مبارک از قدرت و انحلال مجلسین مشورتی و خلق، (به عنوان تحقق اراده ملت، در مرحله اول) شد. که در مرحله سوم نیز خواستار لغو حالت فوق العاده، فرمان عفو عمومی، همزمان با آزادی زندانیان سیاسی گردید. چهارمین و پنجمین مرحله، برگزاری انتخابات آزاد و شفاف تحت نظارت پارلمان برآمده از رأی ملت می باشد که در آن تعدیلات لازم در قانون اساسی صورت گیرد، تا زمینه برگزاری آزاد و فراگیر انتخابات ریاست جمهوری فراهم شود. (مطبوعات ۸۹/۱۷/۱۴)

نقش پیشاهنگی اخوان در میان جنبش های اسلامی:

- آغاز فعالیت:

البنا، در خاطرات خود می نویسد: در مارس ۱۹۲۸ شش تن از برادران که در درس ها و جلسات من شرکت داشتند... گفتند: در این کشور، مسلمانان از هیچ عزت و حرمتی برخوردار نیستند... و ما حظایریم با نثار خون خود با تو همراه شویم. البنا، در مورد انتخاب نام گفت: ما برادرانی در خدمت اسلام هستیم. یعنی: اخوان المسلمین و اخوان شعار خود را چنین اعلان کرده است: الله هدف ماست، پیامبر رهبر ما و قرآن برنامه ماست. جهاد و تلاش کار ما و شهادت آرزوی ماست.

ساختار تشکیلاتی و روش فعالیت:

بیاندیشند. و از حالا به دنبال کم رنگ کردن مرزهای تحمیلی و مصنوعی باشند. اولویت های محور این

ارتباط را با تمرکز روی "قضیه فلسطین" با حضور ایران، ترکیه، مصر، سوریه، عراق و جنبش فلسطین می توان تعریف نمود. این کار یک گام ابتدای جهت تحقق

"وحدت اسلامی" در پرتو تمدن واحد اسلامی است که بر اساس قرآن و سنت نبوی و شاکله کثرت در وحدت استوار بوده و با همه تنوع و تعدد مزایکی خویش، یک هویت و تمدن را نشان می دهد.

آنچه بطور خلاصه یاد آوریش لازمست اینست که پذیرش "دموکراسی" به عنوان یک "روش" و تاکتیک نه ارزشی که به مقبولیت فرآیند سیاسی کمک نماید وسیله ای است کارآمد، که با بهره گیری ماهرانه از دموکراسی پارلمانی و بازی های مشارکتی و گروهی، در یک فضای رقابتی - خدمتانی؛ برنده هم شوند.

اما انقلاب مصر (انقلاب ۲۵ ژوئیه) و بحرین مصر

شهید حسن البنا، در دهه دوم قرن بیستم، (۱۲ فوریه ۱۹۲۸) با تأسیس اخوان المسلمین، در پی تحقق حکومت اسلامی، در سطح جهان، می شود. وی در یک سخنرانی چنین اعلام می دارد: اگر سیصد نفر داشته باشیم؛ همه جهان را فتح و دریاها را تسخیر می کنیم! حسن البنا که دارای نبوغ سازماندهی عالی بود، همانند سید جمال الدین حسینی، از جاذبه و آرمانگرایی عالی و بی نظیری اسلام را با درایت مطرح می نمود و می رفت که در سرزمین مصر و همزمان در سودان، حکومت اسلامی را اقامه نماید که عناصر مزدور دربار فاروق وابسته به انگلستان او را ترور نمودند. البنا، در "مذاکرات الدعوه"، تصریح می کند: راه او استمرار راه جمال الدین افغانی و محمد عبده است.

البنا همچنان طرفدار تقریب و وحدت اسلامی بود، که دشمنان وحدت اسلامی امانش ندادند. ولی خوشبختانه سازمان جهانی اخوان، راه وی را - علیرغم توطئه ها، شکنجه ها و کشتار بیرحمانه رژیم های سکولار و ملی گرا - ادامه دادند و غربیان (در آغاز انقلاب مردم مصر)، که به نفع حکومت استبدادی حسنی مبارک هیاهو به پا کرده و هشدار می دادند: مصر در مسیر استبداد و هرج و مرج و فاجعه، پیش می رود، اگر اخوان المسلمین؛ به حکومت برسند!! چون پانزده سال پیش، مرشد اخوان (مصطفی مشهور) رسماً اعلام داشت: آمریکا و همه غربیان بدانند که ما در صدمین سال تأسیس اخوان اولین حکومت جهانی را تشکیل خواهیم داد!!

گذشته از آنچه که در مصر چه اتفاق خواهد افتاد. نکته مهم این است که: اخوان، بر اساس تجارب و استفاده از تاکتیک های کار آمد، ورودی - خروجی بازی های سیاسی و جهانی را بهتر از هر جریان پروگماتیستی دیگر، درک می کند و امروز با چنان صراحتی درباره برنامه هایشان سخن نمی گوید.

طارق رمضان، نوه شهید حسن البنا، نوشت: اندیشه سیاسی اخوان بسیار متحول شده (میان ایدئولوژی خشکه مقدس عربستان و هواداری از مدل ترکیه) (اخوان المسلمین: از

مسلمانان عموماً به تحقیرهای روز افزون شرق و غرب و اروپائیان مهاجم، (شمال) به دنبال احیای نوعی حکومت که از تمدن اسلامی نمایندگی کنند، بوده اند.

به تعبیر دیگر - چنانکه برخی از تحلیلگران نوشته اند. هواداران خلافت و احیای امپراطوری های سابق با انگاره های متفاوت و رویکردهای متنوع که ذیلاً اشاره می شود، به آن می اندیشیدند: خلافت اموی (در ذهن برخی سعودی ها) خلافت عباسی (در میان اعراب خاورمیانه و مغرب اسلامی)، خلافت عثمانی (در ترکیه و آسیای صغیر)، فاطمیان (در مصر و شام و لیبی) حکومت صفویان (ایران) و سلطنت بابریان (شبه قاره هند و پاکستان)

این ها گوشه ای از گرایشات و علایق مردمان در جوامع پویا و متحول اسلامی است که امروزه در کانون تحولات جهانی قرار گرفته و در پس زمینه های انقلاب اخیر، صدای پای تکثر فرهنگی و مردم سالاری واضح تر از بقیه صداها به گوش می رسد. (فرزانه طباطبایی آینده اسرائیل و تحولات جدید خاورمیانه، ضمیمه روزنامه شرق ۸۹/۱۲/۲۱)

با همه این ها، نگرانی و چالش های بی پایان چونان گذشته؛ دامنگیر مسلمانان می باشد. که به یک نمونه برجسته از آن خلاءها ... اشاره می شود، و آن فقدان تشکیلات روزآمد و رهبری واحد، و در نتیجه نداشتن آدرسی است در حد دولت دینی اسرائیل "که از دین یهود" نمایندگی می کند. نه از قوم یهود؛ ولی جهان اسلام، متأسفانه در این حد با هم تفاهم ندارند که از حاکمیت اسلامی (ولو در یک منطقه) نمایندگی نمایند. گرچه حکومت های به عنوان دینی در ایران، سودان، افغانستان و... بوجود آمد ولی به جهت عوامل فراوان درونی و بیرونی و عدم ارتباط کارآمدی و تکمیل کننده میان این حکومت ها (برخی و یا بسیاری که مخلصانه هم پایه ریزی شده بود) نتوانستند الگوی اسلام محمدی را تثبیت نمایند و در نتیجه عوامل و آسیب ها و یا گرایش های میهنی و... فزونی یافت و نوعی یأس و سرخوردگی بوجود آورد و (مکتب ایرانی) با آنکه تشکیل حکومت اسلامی چه در فرایند شکلگیری پدیده معرفت (و متلازم شمردن مفهوم دین و سیاست) و چه در عرصه مهندسی کردن فرهنگ ارزشی در ابعاد و مراحل زندگی اجتماعی (در مرحله تدوین و ساختار و اصلاحات اجتماعی و یا در مرحله تکامل و فعالیت های راهبردی و یا در نگاه کلان اندیشانه اسلامی)، حکومت دینی یک نیاز اساسی است، تا زمینه سعادت در پرتو تحقق اطاعت و بندگی در وجود انسان به صورت عملی فراهم شود. چیزی که امثال شهید سید محمد باقر صدر، ضرورت تکوین آن را تدوین نموده و با تشکیل نهادهای اسلامی و ایجاد مجموعه ها و احزاب اسلامی در عراق، بسترسازی کرده است. (ما در بحث داعیه داران حکومت اسلامی (کنفرانس حکومت اسلامی و گفتنمان معاصر - به مناسبت پیروزی انقلاب اسلامی، در ایران) به تفصیل به آن پرداخته ایم).

جمع بندی و نگاهی به وضعیت مصر و بحرین:

جمع بندی از این تجارب گرانمایه ایجاب می کند که جنبش های منطقه (بالاخص آنهایی که بیشتر همسو و یا هم منطقه هستند) با تشکیل اطاق فکر و راهکار ایجاد و تقویت ارتباط فعال با همدیگر، به تشکیل یک کنفدراسیون منطقه ای

سیگنال عقب نشینی امارات از مالکیت جزایر سه گانه

در شورای همکاری خلیج فارس و اظهار وزیر خارجه این کشور در راستای حل مسالمت آمیز و اعتمادسازی میان تهران - ابوظبی، به کاسته شدن نفوذ غربیان می انجامد.

روزنامه اطلاعات، ضمن ستودن روابط بر اساس تعامل نه تعارض؛ در این باره، چنین نوشت: موضع اخیر امارات هوشمندانه و مناسب بوده و به نوعی سرآغاز یک روش تعاملی است و شاید بتوان به عنوان الگویی برای سایر کشورهای منطقه مطرح باشد.

راهکار کلی جنبش های اسلامی:

با آنکه تا رسیدن به پیروزی (تشکیل حکومت ارزشی و مردم سالار آن هم در تمام یا برخی از کشورهای عربی) که مصطفی مشهور (مرشد سابق اخوان) آن را مطرح نموده و یا آنچه که راشد الغنوشی، (رهبر جنبش النهضة تونس) به تازگی سخن از سرزمین واحد اسلامی - عربی می گوید. راه درازی است (چون به نظر آیت الله طالقانی، حکومت تابعی است از درجه تکامل اجتماعی) که گویا هنوز وقت آن نرسیده است. و با این وصف؛ در شرایط کنونی که غربیان بهانه "حقوق بشر" می گیرند. "حکومت اسلامی" که مدل دموکراسی بر اساس قانون است، باید از نو تعریف شود و از تجارب جدید جهانی، مشارکت و جنبش های مدنی و انقلاب و دگرگون سازی واقعی (بالاخص تجارب حزب عدالت و توسعه در ترکیه) بهره برداری شود. زیرا اردوغان و حزب وی، با تاکتیک های ماهرانه و جلوگیری از بهانه جویی های سکولارها، از گفتن و قاعده فقهی الزمومهم بما الزموا انفسهم خوب استفاده نموده و با شعار دموکراسی، به نوعی به حکومت مردم سالار دست یافتند. که شاید اخوانی های مصر نیز به دنبال این تجربه باشند. لذا آنان حزب "عدالت و آزادی" را تأسیس نمودند، تا با این گزینه فعلاً به نمونه و نوع حکومت "دولت - ملت" که مدل نوع حکومت مدرن است دست پیدا کنند و این خود چند گام به پیش است! (چنانچه آیت الله فضل الله، در لبنان به برخی که در دهه هشتاد خواستار جمهوری اسلامی در لبنان بودند گفته بود: "ما فعلاً حکومت انسان لازم داریم، تا حکومت اسلامی، چون دست یابی به حکومت ایده آل اسلامی، اولاً در کنار اسرائیل و رژیم های ملی گرا و سکولار؛ امکان عملی ندارد و ثانیاً حکومت انسانی واقعی همان حکومت الهی و گفتنمان مشترک همه انسان های عدالتخواه می باشد".

به هر صورت، نگاهی به تجارب متنوع گذشته ما از هند تا آفریقا و یا از جنوب شرقی آسیا، (تجارب پربار و کارآمد مهماتیر محمد و حزب اسلامی مالزی) تا آسیای میانه، یا شبه قاره هند و ترکیه (پیروزی پیروان اربکان "حزب عدالت و توسعه") که این دو کشور با طرح های اقتصادی سیاسی و با حرکت تدریجی، دشمنان را دور زدند و کارهای عظیم علمی و اقتصادی نیز ارائه نمودند در حالی که در مالزی، نصف آن کشور غیر مسلمان بوده و در ترکیه حتی حجاب و لباس دینی؛ ممنوع بوده است. جالب توجه این است که این کشورها بدون شعار و ادعاهای پرطمطراق اسلامی، و به اصطلاح اجرای شریعت تنها کار می کنند!! (امام علی فرمود: نحن نمطولا نرعد...)

با نگاه کوتاه به گذشته مسلمین - چه رسد به جنبش های اصلاح طلبانه و انقلابی - می بینیم که

محاکمه مبارک؛

هراس دیکتاتورهای عرب از سر نوشت مشابه



لگدمال، عقیده آنها را تحقیر و مصر را به کاهنشان آمریکا و خاخام های اسرائیلی پیش کش کردند، این حادثه را مشاهده خواهند کرد.

وی گفت: این ظالمان نیز که ترس و وحشت از افتادن به چنین سرنوشتی به جانشان افتاده است؛ دادگاه را دنبال خواهند کرد و خدا

می داند که آنها چند میلیارد دلار غارت کرده اند و چقدر خون مردم را ریخته اند.

این نویسنده در ادامه سرمقاله خود نوشت: شورای نظامی حاکم مجبور شد به خواسته های انقلابیون پاسخ بدهد و هر چه سریع تر به محاکمه رژیم فاسد گذشته و افراد آن اقدام کند، البته این اقدام پس از تأخیر طولانی مدت در نتیجه فشار متحدان مبارک در کشورهای سرکوبگر صورت گرفت.

وی افزود: متحدان مبارک در کشورهای سرکوبگر نمی خواهند این محاکمه روی دهد و از دچار شدن به همان سرنوشت هراسان هستند

عبدالباری عطوان خاطرنشان کرد: این تسلیم شدن شورای نظامی در برابر خواست انقلابیون کوتاه ترین مسیر برای پایان دادن به تحصن در میدان التحریر و نجات کشور از انقلاب دوم بود که همان انقلاب گرسنگان است.

وی تصریح کرد: شادی بزرگ ما از سقوط دیکتاتور و اعتراف به شکست و دیدن او در پشت میله های قفس اتهام بود و این را برای شادی و شماتت نمی گوئیم بلکه به این علت می گوئیم که پیروزی عدالت و مساوات برای مردم مصر و همه ملت های عربی در ماه رمضان بود.

این نویسنده گفت: مبارک به هیچ وجه دلسوز کسی نبود و درد و رنج دهها میلیون نفر از مردم را درک نمی کرد و ما در برابر انقلابیون و جوانان پاک و شجاع مصر از همه گروه های و قشرهای سیاسی و عقیده ای سرخم می کنیم که این معجزه را برای آمارقم زدند.

وی در پایان تأکید کرد: مصر همیشه در ثبت نمونه های تاریخی پیشرو بوده و پیشرو خواهد ماند و امیدواریم آنچه امروز در دانشگاه پلیس شاهد خواهیم بود؛ برجسته ترین این نمونه ها باشد.

سردبیر روزنامه فرامنطقه ای 'القدس العربی' چاپ لندن محاکمه 'حسنی مبارک' دیکتاتور پیشین مصر را حادثه ای تاریخی توصیف کرد و گفت: سایر دیکتاتورهای عرب با ترس سرنوشت مبارک را دنبال می کنند.

به گزارش العالم، 'عبدالباری عطوان' در سرمقاله خود با عنوان 'مبارک و لحظه حساب' به روند سرنگونی و محاکمه دیکتاتور پیشین مصر پرداخت. عبدالباری عطوان نوشت: با ظاهر شدن حسنی مبارک در قفس اتهام در برابر قضات برای پاسخ به اتهام قتل و فساد و غارت اموال عمومی، مصر و همه ملت های عرب در برابر یک حادثه تاریخی قرار می گیرند.

وی خاطرنشان کرد: مساله مهمتر که از چند دهه پیش و شاید قرن ها پیش ادامه دارد و ممکن است که همچنان ادامه داشته باشد؛ این است که حاکمان عرب به کشتن، غارت و خودکامگی بدون اینکه بازخواست شوند و پاسخگو باشند؛ ادامه می دهند.

این نویسنده نوشت: جرم مبارک غارت اموال و قتل ۵۰۰ معترض که فقط خواستار سرنگونی رژیم او بودند؛ نیست بلکه کشتن مصر و موقعیت، منزلت و شرافت آن و تحریف هویت این کشور است.

وی افزود: جرم مبارک همچنین این است که مصر را از یک کشور قدرتمند و عزیز به یک کشور وابسته، ذلیل و گدا تبدیل کرد.

عبدالباری عطوان خاطرنشان کرد: بیش از ۳۰ سال از غارت، دزدی و انباشت میلیاردها دلار در بانک های غربی سپری می شود که شاخص برجسته رژیم دیکتاتور پیشین مصر است.

وی افزود: بیش از ۸۰ میلیون نفر از فرزندان صبور و ثابت قدم مصر از تلویزیون این لحظه تاریخی را تماشا خواهند کرد تا شاهد حادثه ای باشند که در رویا نیز تصور دیدن آن را نمی کردند.

این تحلیلگر عرب افزود: سایر دیکتاتورهای عرب و شرکای مبارک و متحدان او نیز که کرامت این امت را

توطئه واشنگتن، ریاض و تل آویو علیه انقلاب ها

سعید الشهابی اظهار داشت رژیم اشغالگر سعودی درصدد نابودی مردم بحرین، از راه های مختلف از جمله زندانی کردن، شکنجه و یا تیراندازی به مردم در میادین عمومی است.

این سیاستمدار بحرینی گفت: شکنجه در بحرین با هدف گرفتن اعتراف نیست بلکه هدف از آن انتقام گیری از ملت بحرین است، زیرا مردم گناهی مرتکب نشده اند که بخواهند به آن اعتراف کنند.

وی درباره دستورات مسئولان رژیم آل خلیفه درخصوص بازجویی از افسران پلیسی که به سوی تظاهرکنندگان تیراندازی کرده اند ، گفت: تحقیق باید از مسئولان رده بالا آغاز شود.

این فعال سیاسی بحرینی خاطرنشان کرد: رژیم آل خلیفه به خوبی می داند که اگر کمیته تحقیق بین المللی برای تحقیق درباره جنایت ها دربحرین تشکیل می شد، حمد بن عیسی آل خلیفه شاه بحرین وخلیفه بن سلمان آل خلیفه وسلمان بن حمد آل خلیفه و ناصر بن حمد آل خلیفه را مسئولان اصلی اقدامات تجاوزکارانه علیه مردم معرفی می کرد.

وی تأکید کرد: جنایت هایی را که دربحرین رخ داده است ، نمی توان از طریق تشکیل کمیته محلی پیگیری کرد، و نمی توان یک نیروی پلیس را به علت شلیک گاز اشک آور به داخل خانه ها مورد بازخواست قرار داد، زیرا این اقدامات همه به دستور مسئولان رده بالا صورت گرفته است.

دبیرکل جنبش آزادگان بحرین، درباره توطئه آمریکا، عربستان سعودی و رژیم اشغالگر علیه انقلاب های عربی هشدار داد.

'سعید الشهابی' درمصاحبه با شبکه العالم گفت: آمریکا درتعامل با انقلاب های عربی شکست خورد، و به جای حمایت از این انقلاب ها، به همراه عربستان سعودی و رژیم اسرائیل و انگلیس به کودتا علیه این انقلاب ها اقدام کرد. الشهابی تأکید کرد: همه انقلاب های مردمی در کشورهای عربی ازجمله انقلاب مردم بحرین درمعرض تهدید قرار دارند.

وی با بیان اینکه آمریکایی ها طرح گفتگو را دربحرین با هدف پایان دادن به بحران این کشور مطرح کردند، افزود: آنها دراین زمینه شکست خوردند زیرا هدف از گفتگو تحقق خواسته های مردم نبود، بلکه مشروعیت بخشیدن به نظام استبدادی و لشکرکشی سعودی ها به بحرین بود.

الشهابی خاطرنشان کرد: جوانان ۱۴ فوریه که نماینده بخش عظیمی از مردم بحرین هستند ، براین باورند که پیروزی پیش روی مردم بحرین است، و آمریکا نمی تواند که اوضاع در بحرین را به نفع خود پیش ببرد، زیرا اگر قادر به چنین کاری بود ، اوضاع عراق ، افغانستان ، سومالی و لیبی را سروسامان می داد.

دبیرکل جنبش آزادگان بحرین تأکید کرد، رژیم اشغالگر سعودی علیرغم کشتار مردم و تخریب مساجد و جنایت های دیگر؛ در سرکوب مردم شکست خورد.

ساختار تشکیلات اخوان هرمی بوده و دارای شیوه های اصلاحی در فعالیت سیاسی است و اعتقاد همزمان با روش های انقلابی و تغییری نیز دارد؛ اعتقاد به مرحله ای بودن فعالیت ها.. که بر اساس مراحل سه گانه زیر، آنان به دنبال اهداف پیروزی بخش هستند:

- مرحله تبلیغ، ارتباط تفهیم و تفاهم. مرحله جذب، انتخاب و سازماندهی طرفداران اعضا.

مرحله عمل:

در ادامه این قسمت از بحث، با جمع بندی از زنده و کار آمدی اندیشه و برنامه های اخوان، که استاد سید هادی خسروشاهی، بر اساس آشنایی کاملی که با جنبش اخوان و... دارد؛ در مصاحبه ای چنین می گوید:

این ها مرد عملند و شعار و مطالباتشان متناسب با زمان بوده و نمی توان به آنان اتهام برچسب غیر انقلابی زد.

نگاه آنها به اسلام و تشکیل حکومت اسلامی، یک نگاه اصولی است. برداشت آنها از اسلام نوعی بنیادگرایی به معنای بازگشت به اسلام زمان پیامبر است.. که تشکیل جناح نظامی که یکی از ستون های دولت اسلام به شمار می رود.. چنانچه در سال ۱۹۴۸ در کنار نیروهای عربی بر ضد اشغالگران یهودی شرکت نمود.

(نشریه بعثت، ویژه نامه انقلاب مصر، نیمه دوم بهمن ۱۳۸۹، ش ۲۱ و ش مسلسل ۱۳۸۹)

اخوان یک جنبش انترناسیونالیستی:

استاد سید هادی خسروشاهی - کارشناس امور جنبش های آزادی بخش، در ادامه مصاحبه خود، از گرایش به ابعاد فرامنطقه ای اخوان نیز اشاره می کند:

اخوان محل و منبع الهام بخش و تربیت کننده نهضت های اسلامی در منطقه بوده است و انتشار آن در جهان اسلام و عرب؛ گسترده و چشمگیر بوده است. طوری که اخوانی ها در چند کشور به پیروزی هایی دست یافته اند که عمر البشیر در سودان، نمونه ای از آنست و همچنین جنبش حماس، و بسیاری در کشورهای مانند: اردن، الجزایر و همچنین آسیای میانه، ترکیه، پاکستان و افغانستان.

وی سپس از حضور فکری اخوان در ایران و افغانستان می گوید:

'ما روابط خود را با ترجمه کتاب شهید سید قطب و دیگران ادامه دادیم و این کار در ایجاد حرکت در بین دانشجویان در ایران و افغانستان - و بنا به گفته آقای برهان الدین ربانی که خود رهبری حرکت اخوانی ها را در افغانستان عهده دار بوده و نقش خاصی داشت. ادامه دادیم.'

متأثر بودن شهید نواب صفوی، از اخوان المسلمین چیزی پنهانی نیست.. شیوه های کاری، اساسنامه و غیره، در جنبش فدائیان، همه حکایت از همسویی این دو جریان، دارد. و این خود یک نقطه مثبت در رابطه با آشنایی جنبش ها نسبت به همدیگر تلقی می شود. چنانچه دکتر نقوی در کتاب نهضت های اسلامی که درباره جنبش اسلامی مصر.. نوشته است؛ انقلاب ایران را محصول روحیه آزادیخواهی سید جمال و سایر جنبش هایی که در سراسر منطقه (از هند تا آفریقا و آسیا حضور داشتند) معرفی می کند.

اما ارتباط جهاد و جنبش اسلامی در افغانستان، نیز چیزی پنهانی نیست. زیرا جریان بیداری در دهه چهل و بالاخص پنجاه شمسی به آخوانی ها نسبت داده می شد که برادران با اختلافات داخلی - خصوصاً بعد از حوادث ۸ ثور ۷۱ شمسی، به تمام جهاد صدمه زدند و بقیه نیز در پیری زودرس جهاد، بی تقصیر نیستند.

مؤلف 'ثرثرة فوق سقف العالم' مصطفی محمود، می نویسد: در زمانی که وی عضو جوانان اخوان بوده است (ظاهراً دهه پنجاه میلادی) پرفسور مجددی - اولین رئیس جمهور دولت مجاهدین در سال ۷۱ شمسی، عضو رسمی اخوان المسلمین بوده است. روزنامه کیهان نیز از حضور کمال هلباوی در جهاد افغانستان، در مصاحبه ای که دارد، از هلباوی چنین نقل می کند: من در سال ۱۹۸۸ توسط مبارک اخراج شدم و مدتی در افغانستان و پاکستان گذراندم و در این کشورها برنامه های اخوان المسلمین را پیگیری می کردم. من مشاور مؤسسه مطالعات سیاسی پاکستان بودم و به پروفیسور خورشید احمد نائب رئیس جماعت اسلامی پاکستان پیرامون مسلمانان منطقه کمک می کردم. مبارک با کسانی که برای فعالیت های اسلامی به افغانستان و پاکستان سفر می کردند خیلی شدید برخورد کرده و به محض بازگشت دستگیر می شد (کیهان، ۸۹/۱۲/۱۵)

استاد خسروشاهی، از حسن نظر اخوان درباره شیعیان، چنین نقل می کند:

'محمد عاکف در مصاحبه با روزنامه النهار کویتی گفته بود چه مانعی دارد که مذهب شیعه گسترش یابد؟ سازمان کنفرانس های اسلامی ۵۶ عضو دارد، حالا چرا باید از تنها کشور شیعه ها ترسید؟!'

تقدیر عاکف از حزب الله، که در سخنی در رابطه با پیروزی حزب الله می گوید: شما همه ملت عرب و مسلمان را سربلند کردید.. 'خیرت الشاطر' معاون رهبر آخوان المسلمین' مصر گفت: گروه ما در پی ایجاد حکومت اسلامی در مصر و ارائه الگوی جهانی حکومت اسلام بر جهان است.

این فعال سیاسی که با 'المصری الیوم' سخن می گفت افزود: ما به حکومت اسلام در جهان می اندیشیم. او بار دیگر اسلام را محور اصلی انقلاب مصر عنوان کرد و افزود: حرکت مردم مصر اسلامی و عربیست با اولویت اسلام و ما اکنون وارد مرحله جدیدی از مبارزات اسلامی شده ایم و تا پیروز نشده ایم؛ دست از مبارزات اسلامی برنمی داریم.. رسانه های عرب این سخنان را بسیار حساس خوانده و در تحلیل آن عنوان کرده اند که اخوان قائل به مرزبندی جغرافیای در جهان اسلام نیست و به حکومت واحد (و لوازم آن - پول واحد و غیره) در جهان اسلام می اندیشد.. (ابتکار ۹۰/۲/۵)

برگزاری جشنواره سراسری شیوه‌های نوین تدریس معارف دین



با محوریت روانخوانی، اعتقادات با محوریت معاد، احکام با محوریت روزه و اخلاق با محوریت آداب سفر، به همت دبیرخانه نظارت بر کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد گیلان، در رشت برگزار شد.

لطفی نیا افزود: هیئت

داوران در رشته قرآن با محوریت روانخوانی، ملکه مطهری از کهگیلویه و بویر احمد، مریم رحمانی از اصفهان و فرشته رضیان از همدان را شایسته تقدیر اعلام کردند. وی گفت: در رشته اعتقادات با محوریت معاد، مهدی قدرتی از خراسان جنوبی (رتبه اول)، عفت یوسفی پور از گیلان (رتبه دوم) و مجید رعنائی از فارس (رتبه سوم) این جشنواره را کسب کردند.

لطفی نیا، تصریح کرد: در رشته احکام با محوریت روزه، مسعود مرادجوی از همدان، مریم امیدی از خوزستان و محمدرضا حدادیان از خراسان رضوی، نیز شایسته تقدیر معرفی شدند.

وی ادامه داد: در رشته اخلاق با محوریت آداب سفر نیز محمدرضا جاهد از خوزستان رتبه اول این

دومین جشنواره سراسری شیوه‌های نوین تدریس معارف دین (شکوه اندیشه) با حضور دبیر ستاد عالی کانون‌های مساجد کشور، آیت الله قربانی، نماینده ولی فقیه در گیلان و امام جمعه رشت و تعدادی از شخصیت‌های برجسته دینی کشور در رشت برگزار شد.

به گزارش ستاد خبری جشنواره شیوه‌های نوین تدریس معارف دین (شکوه اندیشه)، مراسم اختتامیه این جشنواره، با اعلام و تجلیل از برگزیدگان در مجتمع خاتم الانبیاء (ص) رشت برگزار شد. در این مراسم از ۱۲ برگزیده جشنواره شیوه‌های نوین تدریس معارف دین با اهدای لوح تقدیر، تندیس جشنواره و هدایای نقدی تجلیل به عمل آمد.

محمود لطفی نیا، رئیس هیئت داوران جشنواره سراسری شیوه‌های نوین تدریس معارف دین گفت: در مراسم اختتامیه، هیئت داوران پس از بررسی ۱۶۰ اثر رسیده به این جشنواره، ۳۲ اثر را به عنوان برگزیده نهایی معرفی و از این میان از ۱۲ منتخب، تجلیل به عمل آمد.

وی افزود: جشنواره ملی شیوه‌های نوین تدریس معارف دین (شکوه اندیشه) از سری برنامه‌های ششمین جشنواره بزرگ جوانان مساجد کشور، در چهار بخش قرآن

آیت الله قربانی نماینده ولی فقیه در گیلان:

یک بعدی نگرستن به مسائل دینی از آسیب‌های انتقال مفاهیم دینی است

سایر افراد جامعه، که در این صورت باید سطح مطالب را متناسب با افراد تغییر داد. نماینده ولی فقیه در گیلان گفت: هیچ نویسنده‌ای جز آیت الله مطهری را ندیده‌ام که بتواند مسائل پیچیده دینی را به راحتی با نوشته‌های ارزشمند خود در اختیار مخاطبین قرار دهد.

در ادامه این مراسم حمید صفار هرنیدی، مولف و پژوهشگر، گفت: استفاده از شیوه‌های نوین تدریس دین به این معنا نیست که یک طرح و یا کار، جدید باشد، بلکه می‌تواند در قالب جدید ارائه‌کننده کارهای موفق گذشته‌گان باشد. وی بر ضرورت استفاده از ادبیات جدید برای مبانی دینی و مذهبی تأکید کرد و گفت: باید معارف دینی در قالب مفاهیم قابل انتقال، به کار گرفته شود.

گفت: یک بعدی نگرستن به مسائل دینی یکی از آسیب‌های انتقال مفاهیم دینی، است. وی با اشاره به محکومات و متشابهات موجود در قرآن، گفت: متشابهات در قرآن گاه ۷۰ بطن دارد و این بینش به هر کسی داده نشده و باید در این موارد به اهل بیت پناه ببریم و گر نه دچار انحراف می‌شویم.

آیت الله قربانی تأکید کرد: یکی از ابزارهای مفید برای نشر عمیق مفاهیم دینی این است که از ابزارهایی که در راستای تهاجم فرهنگی استفاده می‌شود برای نشر مبانی دینی بهره برد.

وی با بیان اینکه در برابر گروه‌های مختلف باید به نوعی مخاطب شناسی کنیم، ادامه داد: گاهی مخاطب یک پروفیسور است و گاهی دانش آموز و

نماینده ولی فقیه در گیلان، یک بعدی نگرستن به مسائل دینی را از آسیب‌های انتقال مفاهیم دینی برشمرد. آیت الله زین العابدین قربانی، نماینده ولی فقیه در گیلان در مراسم اختتامیه دومین جشنواره شیوه‌های نوین تدریس معارف دین با اشاره به اینکه در جریان انتقال مفاهیم دینی با مخاطبین باید از روش‌های گوناگونی استفاده کرد، گفت: بعضی از مخاطبان تنها با ابزار استدلال و حکمت مطالب را می‌پذیرند.

وی ادامه داد: در انتقال مفاهیم دینی به جوانان نباید ادبیات سنگینی را استفاده کرد و باید مبانی دینی به صورت روان ارائه شود.

امام جمعه رشت با اشاره به اینکه استفاده از ابزار استدلال همیشه موثر نیست،

معرفی کتاب نزول مسیح و ظهور موعود

انتشارات بوستان کتاب، کتاب نزول مسیح و ظهور موعود را در ۲۹۶ صفحه با قیمت ۹۴۰۰ تومان منتشر کرده است.

اساسی کتاب را تشکیل می‌دهد.

رابطه نزول مسیح با ظهور امام زمان، بشارت پیشینان به هبوط مسیح و ظهور منجی، نزول مسیح، سیمای مسیح در قرص خورشید و ماه، تأسف غم‌بار، بستر سازی فرود عیسی، نزول مهدی و تقویت جبهه مهدی، ایمان اهل کتاب به مسیح در پذیرش اسلام‌آف فتح قسطنطنیه یا نماد دنیایی مسیحیت، پناهندگی سفیانی و سربازانش به روم، همکاری روم با سفیان، عکس العمل‌های اهل آسمان و زمین نسبت به هلاک سفیانی و برتری حجت ابن الحسن بر فرزند مریم، درگذشت عیسی پیش از مهدی، یوم السبت روز قیام مهدی، احکام سبت، مراسم سبت نزد مسیحیان و سبت در اسلام عنوان فصل‌های بخش سوم است.

کتاب نزول مسیح و ظهور موعود نوشته حجت الاسلام والمسلمین میر تقی حسینی گرگانی منتشر شد.

کتاب نزول مسیح و ظهور موعود از سه بخش تشکیل شده است.

بخش اول در مبادی و مباحثی است که به عنوان پیش نیاز بحث اصلی باید به آنها پرداخته شود. برخی از بخش‌های این فصل عبارت هستند از مسئله مهدویت و برداشت همه انسان‌ها از آن، مفهوم و مصداق انتظار، گستردگی عدالت. بخش دوم بیانگر شباهت‌های حضرت مهدی (عج) به مسیح (ع) و برعکس است که به تک تک آنها اشاره می‌شود.

بخش سوم درباره رابطه نزول مسیح با ظهور موعود منتظر و قائم آل محمد (ص) است. این بخش بحث

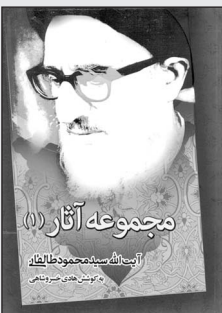
به کوشش استاد خسروشاهی؛

جلد اول مجموعه آثار آیت الله طالقانی منتشر شد

جلد اول مجموعه آثار آیت الله طالقانی که شامل مجموعه مقالات وی از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ هجری شمسی می‌باشد به کوشش حجت الاسلام والمسلمین خسروشاهی و توسط موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران و با همکاری شهرداری تهران به چاپ رسیده است.

استاد سید هادی خسروشاهی در بخشی از مقدمه کتاب در معرفی این مجموعه می‌نویسد:

«اما مجموعه‌ای که از آیت الله طالقانی جمع آوری شده، فقط شامل مقالاتی است که از سال ۱۳۲۰



به بعد، توسط ایشان به رشته تحریر درآمده و در مطبوعات اسلامی، به تدریج چاپ و منتشر شده است... البته بخشی از این مقالات، به ویژه آنچه که در سال سوم مجله ماهانه مجموعه حکمت - چاپ قم که به سردبیری اینجانب منتشر می‌گردید و یا سالنامه معارف جعفری که باز دو سه سالی با اشرف بنده انتشار می‌یافت، به درخواست اینجانب توسط معظم له به تحریر درآمده و در آن دو نشریه - ماهانه و سالانه - همراه مقالات دیگری از سروران گرامی و اساتید محترم دانشگاه تهران و... در سال ۳۸ تا ۴۰، درج و منتشر شده است.

این مجموعه مقالات در اوایل سال ۱۳۵۵ توسط مؤسسه مرکز بررسی‌های اسلامی - قم، به شکل کتابی درآمد و با حروف چینی مرسوم در آن برهه (آی.بی.ام) تایپ و آماده نشر شد و بنا به علی، چاپ آن امکان پذیر نگردید تا اینکه آیت الله طالقانی برای آخرین بار، و پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، از زندان آزاد شد و من همراه مقالات آماده، در خیابان هدایت، به دیدار ایشان رفتم و اجازه خواستم که آن مجموعه را چاپ کنیم، به ویژه که شرایط مساعدی نیز در امر نشر و توزیع کتاب‌ها به وجود آمده بود...

آیت الله طالقانی ضمن تشکر از حقیر گفتند: کشور در حال دگرگونی و انقلاب است و اکنون ضروری تر از این مقالات، تهیه جزوه‌ها و رساله‌هایی درباره اقتصاد اسلامی، نوع حکومت و جامعه مسلمان، چگونگی فرهنگ و زندگی است که شما و دیگر دوستانتان در قم باید به فکر آن باشید تا اگر نهضت به پیروزی رسید منابع قابل اعتمادی در اختیار نسل جوان ناآشنا با چگونگی یک جامعه اسلامی، در اختیار باشند... پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مجموعه مقالات آیت الله طالقانی را به برادر ارجمند جناب آقای محمد حسن محبوب، مدیرعامل محترم و فرهنگ دوست شرکت سهامی انتشار تحویل دادم که به موقع چاپ و منتشر سازند... و خود راهی واتیکان شدم پنج سال که به ایران مراجعت کردم معلوم شد که کتاب چاپ نشده و نسخه اصلی ما هم مفقود گشته است...! جناب محبوب که فردی مسئول و دقیق و منظم است، چندین بار آرشو شرکت را بررسی نمود و متأسفانه نسخه اصلی به دست نیامد تا اینکه پس از مدت‌ها، آن مجموعه پیدا شد که اینک با اضافاتی، به مناسبت یکصدمین سال تولد مرحوم آیت الله طالقانی، از سوی کنگره بزرگداشت آن بزرگوار، منتشر می‌گردد.

لازم به یادآوری است که مجموعه تنظیمی اینجانب شامل همه مقالات آثار پراکنده آیت الله طالقانی نیست و شامل مقالات یا بیانات ایشان از سال ۱۳۵۷ به بعد نمی‌باشد. نکته دیگری که باید در این مقدمه یادآور شویم این است که در طول این مدت - بیش از یک ربع قرن - دوستان و برادران دیگری نیز تلاش کرده‌اند که بخشی از آثار و مقالات ایشان را گردآوری و تحت عناوین گوناگونی منتشر سازند و یک سازمان سیاسی هم در اوایل انقلاب، جزوه‌هایی تحت عنوان مجموعه گفتارهای پدر طالقانی - هر کدام به طول جداگانه - منتشر می‌ساخت... اما در کل، متأسفانه تا امروز مجموعه کاملی از مقالات، گفتارها، بیانی‌ها و مصاحبه‌های ایشان جمع آوری و چاپ و در اختیار عموم قرار نگرفته است که امیدواریم دبیرخانه کنگره یا نهاد دیگری، به این واجب بپردازد.

در پایان اشاره به منابع اصلی این مجموعه بی‌مناسبت نیست که عبارتند از: مقدمه‌های کتاب‌های: تنبیه‌الامه و تنزیه‌المله، انجیل برنابا، محوالموهوم و صحوالمعلوم و مجموعه گفتارها (ج ۲ و ۳) و مقالات منتشر شده در مجله: دانش آموز - نشریه کانون انجمن تبلیغات اسلامی - ۱۳۲۶ مجله مسلمان - ارکان اتحادیه مسلمانان ایران - ۱۳۲۸ مجله مجموعه حکمت - چاپ قم ۱۳۲۸ و - ۱۳۲۹ مجله مکتب تشیع - منتشره از حوزه علمیه قم - ۱۳۳۸ - ۱۳۴۰ و سالنامه معارف جعفری - چاپ قم، ۱۳۴۰ و ۱۳۴۱.

علاوه بر منابع اصلی، از چند کتاب و نشریه دیگر، از جمله ابودر زمان و مناره ای بر کویر و طالقانی و تاریخ مقالات کوتاهی اقتباس و بر این مجموعه افزوده شده است که بعضی از آنها متن سخنرانی‌هایی است که توسط برادران ارجمندی چون آقای دکتر محمد مهدی جعفری و یا آقای محمد بسته نگار، از نوار پیاده شده‌اند که زحمات آنها نیز قابل تقدیر و تشکر است. مقالات این مجموعه بر حسب تاریخ انتشار تنظیم نشده بلکه تقسیم مقالات بر حسب موضوعات تبویب و نقل شده‌اند. گفتنی است که این کتاب در ۵ هزار نسخه و به قیمت ۶۰۰۰ تومان عرضه شده است و امکان خرید اینترنتی آن از طریق سایت www.ketabeparsi.com قسمت کلبه شروق، فراهم شده است. سایر هموطنان نیز می‌توانند از طریق تماس با شماره ۰۲۵۱-۷۷۳۶۴۲۴ این کتاب ارزشمند را تهیه نمایند.

بعثت

نشریه مرکز بررسی‌های اسلامی
دو هفته‌نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

صاحب امتیاز و مدیرمسئول:

سید هادی خسروشاهی

سردبیر:

سید محمود خسروشاهی

دفتر مرکزی:

قم: خیابان شهدا (صفائییه) نشین ممتاز

تلفن: ۷۷۴۱۴۲۳

صندوق پستی: ۱۳۶

چاپ: مینایی

پست الکترونیکی:

Besatonline@gmail.com